



انترناسیونال ۴۴۲

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۲ اسفند، ۲ مارس ۲۰۱۲

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه



اطلاعیه پایانی کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۶ و ۷ اسفند ۹۰ (۲۵ و ۲۶ فوریه ۲۰۱۲) در فضائی گرم و پرشور با موفقیت برگزار شد. کنگره علنی بود و لحظه به لحظه آن صفحه ۷



گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن

هشت مارس را با عزم به زیر کشیدن نظام آپارتاید جنسی وسیعا گرامی بداریم!

زن و مرد انسانند و با هم برابرند. آنانکه همین حقیقت ساده و روشن و بدیهی را بر نمی تابند و با زور و توحش سرکوب میکنند و به عقب میرانند، آنان که از سنتها و قوانین وحشیانه عهد عتیقی دفاع میکنند، نیروهای منفور و مرتجع می هستند که به دنیای مدرن و انسانی تعلق ندارند. جای حکومت ضد زن در زباله دان تاریخ است. این حکومت و کل جریانات و نیروهایی که زن را تحقیر شده و زندانی حجاب و نیمه انسان و دارایی مردان میدانند با ابتدایی ترین معیارهای بشری همخوانی ندارند و محکوم به نابودیند.

زن و مردان آزاده!

ما میلیونها نفریم! ما همه مردمیم! ما قدرتمندیم! ما اکثریتیم! پیایخیزیم و قاطعانه از حقوق انسانی و برابر زن و مرد دفاع کنیم. پیایخیزیم و به کل قوانین ضد زن قاطعانه نه بگویم. ستم و تبعیض علیه زنان آشکارا ابرازی برای به بند کشیدن کل جامعه توسط يك اقلیت مفتخور و ستمگر است. در روز جهانی زن با صدای رسا این توهین و تحقیر نفرت آور را محکوم کنیم! هشت مارس روز انسانیت است. گرامیداشت این روز شاخص این واقعیت است که زنان و کل مردم ایران این آپارتاید جنسی و ضد زن را نپذیرفته اند و نخواهند پذیرفت. در این روز جمع شویم. تظاهرات کنیم. تجمعات بزرگ و کوچکمان را برپا کنیم. در هرکجا که

صفحه ۲

هشت مارس امسال هم باید حجاب را دور انداخت

مصاحبه تلویزیونی علیه تبعیض با سهیلا شریفی

مهین علیپور: امسال ۸ مارس ویژگی خاصی دارد با توجه به شرایط جهانی و جنبشهای مردمی که لزوما اینجا تکرار نمیکنیم و شاید خود شما در

حکومت اسلامی کلافه از "حساسیت انتخابات"

بهر روز مهرآبادی، صفحه ۶

اسکار و ناسیونالیسم ایرانی

یاشار سهندی، صفحه ۶

موج گرانی و گریه ی وزیر!

مهراب دشتی (از ایران)، صفحه ۳

قطعه نامه های مصوب کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

قطعه نامه درباره خصوصیات دولت بر آمده از انقلاب

قطعه نامه در مورد جنبش کارگری و جایگاه

مجمع عمومی

صفحه ۱۳

قطعه نامه در مورد نقد دولت مافوق مردم در انقلابات و

جنبشهای اعتراضی در دوره حاضر

قطعه نامه درباره بحران بورژوازی در ایران

صفحه ۱۴

قطعه نامه درباره شرایط اضطراری در ایران

صفحه ۱۵

دو قرار د مورد تصویب اسناد باقیمانده

صفحه ۷

میثاق جهانی ۹۹ درصدی ها!

بیانیه کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران
صفحه ۸

گزارش رئیس هیئت دبیران به کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری

گزارش سیاسی تشکیلاتی، ۶ اسفند ۱۳۹۰، ۲۵ فوریه ۲۰۱۲
اصغر کریمی، صفحه ۹

پیام کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

به کارگران، به زندانیان سیاسی، به زنان
صفحه ۱۶

چند پیام به کنگره حزب

صفحات ۳ و ۸

سخنان آقلاز محمد اف بنیانگذار سازمان آتیسیم و اومانسیم

نوبین آذربایجان در کنگره حزب

قرار در محکومیت فعالیتهای تروریستی نیروهای اسلامی
در کشور آذربایجان

صفحه ۱۲

چند خبر از کارگران زندانی و احضار فعالین کارگری

صفحه ۴

بازتاب هفته

تحریم ها و جنگ اعلام نشده

بهر روز مهرآبادی

سوریه: بیش از ۷۵۰۰ کشته در ۱۱ ماه!

محمد شکوهی

صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

هشت مارس امسال هم از صفحه ۱



سهیلا شریفی

مسئله اقتصادی در دنیا میبینیم که طبق آمار داده شده زنان ۵۱ درصد مردم دنیا را تشکیل میدهند و این در حالی است که ۷۰ درصد فقرای دنیا زنان هستند. یعنی آمار خیلی خیلی بالایی از فقرا زنان هستند. و بحرانهای اخیر بیشتر از همه و در درجه اول به زنان حمله کرده است و خط اقتصادی زنان را پایین آورده است. گفته میشود ۵۰٪ از غذای دنیا را زنان تولید میکنند و این در حالی است که فقط ۱۰٪ درآمدهای دنیا متعلق به زنان است. و فقط یک دصد زنان دارای مالکیت هستند. یعنی وقتی به این آمارها نگاه میکنیم و زندگی زنان را از این عرصه و زاویه اقتصادی بررسی میکنیم میبینیم که چه شکاف و نابرابری عظیمی وجود دارد. به اینها مسئله فشار مذاهب و قوانین ارتجاعی که در جاهایی مثل ایران و کشورهای اسلام زده و خیلی کشورهای دیگر بر زنان تحمیل شده را هم اضافه کنیم متوجه میشویم در قرن بیست و یکم در حالی که بشریت این همه پیشرفت کرده وضعیت نیمی از جمعیت دنیا اینجوری است که ما داریم میبینیم. همین چند روز پیش خامنی را در افغانستان بخاطر اینکه دختر بچه بدینا آورده کشتند. فکرش را بکنید! همین مورد نشان میدهد که نابرابری موجود بسیار جدی است و در ابعاد بسیار گسترده ای وجود دارد.

مهین علیپور: بله سهیلا جان شما اشاره کردید که دین و فرهنگهای عقب افتاده که در همه جا الان عمل میکنند. ولی خیلی جالب است بگویم که الان به صورتی درآمده است که اعتراضات وسیعتر شده بخصوص با آن شکلهای مختلفی که خود جنبش آزادی زن به خودش گرفته و میخواهد تابو شکنانه تر بشود. اخیرا در مصر خانم هنرمندی که کار او رقص است بنام دینا روی سایتهای مختلف عکسها و فیلمهای خودش را گذاشته و اعتراض کرده (یک زن معمولی که خیلی هم چهره آشنایی نبوده) و گفته که از وقتی که مسلمانان سلفی قدرت گرفتند مردم جرات به سینما رفتن را ندارند. و رقص در حال ممنوع شدن است و هنرمند را کافر حساب

مختلف شکلهای مختلفی به خود میگیرد. از کاری که علیا ماجده کرد تا زنان در عربستان که طی کسپینی الان رانندگی میکنند و ما میبینیم که چطور ترور میشوند و در تصادفات رانندگی کشته میشوند ولی این را امر خودشان میدانند تا به حق و حقوق خود دست یابند. سوال من اینجا از شما این است که این ۸ مارس را امسال ما باید چطور برگزار کنیم چه چیزی از ما میطلبد؟

سهیلا شریفی: شما اشاره کردید به جنبشهای ویژه ای که امسال ویژگی خاصی به وضعیت دنیا و بخصوص وضعیت جنبش زنان میدهد. یکی از ویژگیهایی که در اکثریت انقلابات یکسال گذشته شاهد بودیم چه در خاورمیانه چه در شمال آفریقا و چه در جنبشهای اعتراضی که در سطح دنیا وجود داشتند از جمله جنبش ۹۹ درصدی ها یا جنبش اشغال وال استریت، میبینیم یکی از خواسته های اصلی همه این جنبشها برابری است. برابری بلحاظ اینکه فقر باید از بین برود، برابری بلحاظ اینکه تبعیض جنسیتی و نژادی و غیره و غیره باید از بین برود. یکی از خواسته های عمومی این جنبشها مسئله برابری است و تا آنجا که به این مسئله برمیگردد مسئله زنان در واقع سرلوحه برابری طلبی است و زنان در این جنبشهای یکسال گذشته خیلی فعالانه شرکت کردند. تقریبا هر جا هر اعتراض و مبارزه ای بوده زنان واقعا شجاعانه و در صف اول این اعتراضات هستند. چرا که بطور واقعی یکی از تحت ستم ترین و نابرابرترین قشر در جامعه هستند و بیشتر از همه مورد تبعیض قرار میگیرند. همین الان به مناسبت ۸ مارس بخشی از فعالین جنبش زن در آمریکا فراخوان داده اند که بخاطر مبارزه برای برابری زن مرد و علیه تبعیضهای موجود زنان بانکهای بزرگ را اشغال کنند و گفته اند بزرگترین بانک آمریکا را اشغال میکنند و در این رابطه آمارهای بسیار جالبی دادند.

مهین علیپور: سهیلا جان حرف شما را قطع میکنم ولی چرا بانکها را اشغال میکنند؟ میداین بهتر نبود؟ سهیلا شریفی: اتفاقا میخواستم به همین مساله اشاره کنم چون خیلی جالب است وقتی نگاه میکنیم به

روز طرحهایی جدیدی در میاورد، مثلا در ایران، ولی کاملا درمقابل جامعه و زنانی که الان دیگر خودشان را کاملا محق میدانند که بگویند ما هم حق داریم بر بدنمان حق داشته باشیم، حق داریم شغل داشته باشیم، حق داریم برابر باشیم، حق داریم دستمزد برابر بگیریم. وقتی به اینها نگاه میکنیم میبینیم جمهوری اسلامی و جریانات اسلامی در جاهای مختلف دنیا واقعا نمیتوانند از عهده این جنبش زنان و این مطالباتی که میخواهند، برآیند. در مقابل مبارزات زنان مشخصا در ایران بنظر من جمهوری اسلامی خیلی عقب نشسته است.

مهین علیپور: سهیلا جان اگر بخواهیم بطور سمبلیک بگویم در این ۸ مارس در ایران باید چکار کرد که یک حرکت بسیار تابو شکنانه، ضد جمهوری اسلامی، ضد آپارتاید جنسی و از جنس حرکتهایی باشد که اخیرا در دنیا داریم میبینیم؟ گو اینکه ناگفته نماند زنان سی و اندی سال است که با این آپارتاید جنسی در حال مبارزه هستند.

سهیلا شریفی: بنظر من چیزی که امسال میتواند برجسته باشد همان مبارزه علیه حجاب است. ما تقریبا هر سال این را گفته ایم ولی امسال ویژه تر است. چونکه بر سر مسئله حجاب و همانطور که شما هم اشاره کردید طرح یکسان سازی و غیره و غیره جمهوری اسلامی باز هم دارد تعرض میکند. و ما هم باید تعرض متقابل خودمان را بکنیم. برای همین جا دارد که دوباره انگشت بگذاریم بر روی مسئله حجاب. حجاب برگیری و یا از سر برداشتن حجابها، دور انداختن و به آتش کشاندن حجاب و این خیلی مهم است. میتوانیم تجمعات زیادی داشته باشیم و بنظر من در این فضایی که الان وجود دارد این شدنی است و مردم میتوانند تجمع بکنند، دور هم جمع بشوند و در مراکز مهمی تجمع بکنند و از همه مهمترین

میکنند. خیلی جالب است که ایشان میگویند این حرفه من است، من از این راه امرار معاش میکنم و کاری دیگری بلد نیستم و باید ما مبارزه کنیم که جلوی این حرفه ها گرفته نشود. این جالب است که این زن کار و هنر خودش یعنی رقص را بعنوان حرفه خودش معرفی میکنند و میخواهد بگوید که من هر حرفه ای که دلم میخواهد باید داشته باشم. و از مردم خواسته که از این هنر یا حرفه و یا رقصیدن حمایت کنند. اینها خیلی جالب هستند و در دنیای مجازی هم سر و صدای زیادی هم کرده. حالا ما اگر بخواهیم تاثیر این جنبشها را رو به ایران ببینیم مثلا همین جنبش برهنگی و یا اختیار تام و کامل که زنان میخواهند بر بدن خود و یا زندگی خودشان داشته باشند نیز بسیار جالب است. اخیرا ما دیدیم که در ایران طرح یکسان سازی پوشش زنان در حال عمل است و زهرا عباسی مدیر کل دفتر امور خانواده و زنان جمهوری اسلامی میگوید که پوشش زنان در ادارات زننده است و گفته است که ما از تعداد زیادی طراح دعوت کردیم که بیایند و پوشش مناسب را پیدا کنند و رنگ سرمه ای رنگ مناسبی است. البته تمام این طراحان نیروهای سازمان ارشاد هستند. ما میخواهیم این جنبش را که در سطح دنیا وجود دارد به جنبش ۸ مارس و جنبش آزادی خواهانه و برابری طلبانه در ایران وصل کنیم. لطفا در این مورد برای ما صحبت کنید.

سهیلا شریفی: بنظر من کارهایی را که مشخصا جمهوری اسلامی در حال انجام است از جمله همین طرحهای یکسان سازی پوشش و طرحهای جدیدی که هر روزه میدهند دقیقا نشان دهنده این است که کاملا در مسئله سرکوب زنان و تحمیل چیزی که آنها به آن میگویند پوشش اسلامی و "وقار اسلامی زنان" درمانده هستند. و به جایی رسیده اند که دیگر نمیتوانند و هر روز يك طرح جدیدی در میاورند. چند وقت بعد هم آن طرحشان شکست میخورد و سراغ چیز دیگری میروند. شما اشاره کردید به مبارزات زنان در جاهای مختلف دنیا از جمله مصر و تونس و ایران، و ما داریم میبینیم که همه اینها نشان دهنده این است که علیرغم اینکه جنبش اسلام سیاسی تلاش خود را میکند که تا آنجاییکه میتواند زنان را به عقب براند و سرکوب بکند و هر

میتوانند بخشی از برنامه آن روز را (در سمینار و یا سخنرانی که میگذارند) بطور ویژه اختصاص دهند به اینکه بطور سمبلیک و حتی چند دقیقه هم که شده حجابها را بردارند. بنظر من با این کارمان بیشتر از هر چیزی میتوانیم نشان بدهیم که جمهوری اسلامی را نمیخواهیم و تا آخر هم پای این حرفمان هستیم. میخواهیم زندگی برابر داشته باشیم، میخواهیم آزاد باشیم و میخواهیم خودمان بر بدن و سرنوشت خودمان تسلط داشته باشیم. این حرکت میتواند بخوبی پیام جنبش آزادیخواهانه مارا منعکس کند.

مهین علیپور: دقیقاً همینطور است. فعال کردن طرحهای قدیمی و طرحهای جدیدی را که جمهوری اسلامی اضافه کرده نشان دهنده حساسیت حرفهای شماست که این حرکت چقدر میتواند موثر باشد. مثلا طرحی داده است به نام حجاب عفاف و گل یاس برای دخترانی که ۱۴ تا ۱۸ سال دارند در مدارس. که باز رنگ سرمه ای را انتخاب کرده اند و گفته است که البته میتوانند خاکستری هم بپوشند! و همینطور طرح تحول اجتماعی برای آسیب کمتر، و دوباره میخواهد طرحهای هشتمگانه حجاب خود را فعال کند و طرح امنیت اجتماعی که قبلا داشته بود دوباره در سطح وسیعتر فعال کرده و گفته اند که خانم های بفرض امدادگر باید چادر داشته باشند. و همین خانم زهرا عباسی میگوید باید به جایی بریم که پوشش ما مطابق با فرهنگ ملی و اسلامی ما یعنی چادر باشد. و در آخر سوالم از شما این است که خود شما در ۸ مارس چکار خواهید کرد و برنامه هایی را که در کشور مربوطه خودتان دارید چیست؟

سهیلا شریفی: طبیعتا ۸ مارس در لندن مراسمی برگزار خواهد شد، معمولا تظاهراتی هست که از مرکز شهر لندن راه می افتد و ما هم تقریبا هر سال پای اصلی این برنامه ها

گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن...

برابرند وسیعا به استقبال هشت مارس برویم. زنده باد برابری کامل زن و مرد نابود باد آپارتاید جنسی نه به حجاب اسلامی نه به حکومت مذهبی و ضد زن حزب کمونیست کارگری ایران

هشت مارس با پرچم افراشته تر رهایی جامعه از راه میرسد!

۰۷۰۳۶۳۸۰۸۸

گوتنبرگ- روز ۱ مارس کمیته برگزار کننده ۸ مارس شهر گوتنبرگ جلسه و میزگردی به این مناسبت از ساعت ۱۹ تا ۲۱ در رستوران تراپان در یرن توریت، جنب فولکت هوس برگزار می کند. ما نیز با دایر کردن غرفه اطلاع رسانی در مورد زنان ایران شرکت خواهیم داشت.

۸ مارس شرکت در تظاهرات روز جهانی زن که از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۸:۳۰ در گوستاو آدولف توریت شروع می شود سپس به شکل راهپیمایی به سوی یوتاپالسن ادامه خواهد داشت. سوسن صابری یکی از سخنرانان اصلی این تظاهرات خواهد بود.

تلفن تماس: سوسن صابری
0708544529

آلمان:

فرانکفورت: میزاطلاع رسانی و نمایشگاه عکس به مناسبت ۸ مارس در مرکز شهر، پنجشنبه ۸ مارس از ساعت ۱۴ تا ۱۹ در محل Hauptwache :
تلفن تماس:
01637907946

گفت و شنود بمناسبت ۸ مارس استکهلم: افق جنبش زنان برنامه ای مشترک از سوی چند حزب و نهاد سیاسی ایرانی- در این مراسم کیان آذر از جانب حزب کمونیست کارگری ایران سخنرانی خواهد کرد.

شنبه ۳ مارس ساعت ۳ بعد از ظهر در هوسی ترف Husby Träff ۸ مارس شرکت در تظاهرات روز جهانی زن که از ساعت ۱۸ از Södermalmstorg شروع می شود.

تلفن تماس: سیما بهاری
۰۷۰۷۴۳۲۵۴۷

مالمو- روز ۳ مارس مراسمی به ابتکار چندین سازمان مدافع حقوق زنان برگزار خواهد شد که جنبه بین المللی دارد و فریده آرمان نیز در این مراسم به ایراد سخنرانی خواهد پرداخت. جزئیات این مراسم بعدا اعلام می شود.

۸ مارس شرکت در تظاهرات روز جهانی زن که از ساعت ۱۸ با تجمع در Möllevångstorget شروع می شود و سپس به طرف میدان کوستاو آدولف راهپیمایی انجام می گیرد.

تلفن تماس: فریده آرمان

هلند، آیندهوفن

برنامه مشترکی با همکاری سازمانهای زنان ایرانی و افغانی در هلند - آیندهوفن

سازمان دفاع از حقوق زن- علیه تبعیض با همکاری انجمن همبستگی زنان افغان و سازمان با هم برای سلامتی زنان، به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن برنامه ویژه ای را در هلند سازمان داده اند.

زمان: یکشنبه ۱۱ مارس ۲۰۱۲ از ساعت ۳ بعدازظهر به بعد مکان: هلند شهر آیندهوفن

DeRondweg
Comphuysen straat -1
KS Eindhoven 15

پانل گفت و شنود و بحث و تبادل نظر با نمایندگان احزاب سیاسی هلند پیرامون موضوع برنامه های این احزاب برای زنان در دل بحران اقتصادی جاری به به همراه سخنرانی فرشته مرادی از سازمان علیه تبعیض و نماینده شهرداری آیندهوفن. همراه با برنامه های متنوع دیگر از جمله دی جی با همکاری سینا

سوئد:

استکهلم: ۳ مارس سخنرانی و

موج گرانی و گریه ی وزیر!

مهراب دشتی (ایران)

امروز دیگر هیچکس نمی تواند گرانی سرسام آور درایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را انکار کند. اگر تا دیروز درمورد گرانی شدن زندگی در فرهنگ و زبان سران جمهوری اسلامی، اصطلاحاتی مانند "آزادسازی قیمت ها"، "واقعی شدن قیمت ها"، "تزدیک شدن به قیمت تمام شده" استفاده می شده است، امروز دیگر این آش چنان شور شده که آشپز هم به آن اقرار کرده است. رحیمی، معاون اول احمدی نژاد درهمایش فرمایشی و دولتی روز به اصطلاح ملی حمایت از حقوق مصرف کننده گفت: "شرایطی بر بازار حاکم است که وزیر صنعت و معدن و تجارت، هر روز برای تنظیم بازار درحال گریه واضطراب است". به گفته ی رحیمی، ارزشمورد نیاز برای واردات موجود است و انبارها پر از کالا است و برای شب عید هیچگونه نگرانی وجود ندارد. شنونده و خواننده ی این خبر گمان می کند که پر بودن انبارها



هشت مارس امسال هم... از صفحه ۲

هستیم و امسال هم حتما جزو برنامه ما هست و شرکت خواهیم کرد. معمولا سعی میکنیم سخنران این مراسم، تظاهراتها و اعتراضات باشیم و در سطح بین المللی کارمان این است که توجه دنیا را به وضعیت زنان در ایران یکبار دیگر جلب کنیم. و خواهان بسته شدن سفارتهای جمهوری اسلامی بشویم و خواهان از بین رفتن آپارتاید جنسی موجود در ایران بشویم. برای اینکه میخواهیم فشار بیابوریم به دولت های غربی بخاطر همین آپارتاید جنسی که به زنان در ایران تحمیل میشود سفارتهایشان

بین رفتن آپارتاید جنسی موجود در ایران بشویم. برای اینکه میخواهیم فشار بیابوریم به دولت های غربی بخاطر همین آپارتاید جنسی که به زنان در ایران تحمیل میشود سفارتهایشان

برمن: مراسم هشت مارس در کلوپ انترناسیونال، دوشنبه ۵ مارس از ساعت ۱۷ به بعد در محل Weber Str.18

تلفن تماس:
01724037035
این لیست تکمیل میشود

وزیر چه بوده! آقای وزیر! اینکه بازاریان محترم سهوا مال حرام وارد زندگی شان می کنند، دلش به درد آمده، به نیابت از آن ها به تضرع و زاری می نشینند و این اصلا برازنده ی یک وزیر - آنهم وزیر چنین نظام مقدسی - نیست! آقای وزیر و معاون اول رئیس جمهور و همه ی کله گنده های رژیم، چند سالی است که

حزب است که می تواند در راس مردم انقلابی زندگی انسانها را نجات دهد و یک زندگی انسانی به جای دیکتاتورهای سرمایه داری و مذهبی بر سر کار بیاورد. به همه شما اعضای حزب چه در خارج و چه در داخل خسته نباشید می گویم. واز اینجا یعنی تهران ما در پیوند با چنین حزبی با شور و شوق تمام برای دست یافتن به جامعه ای انسانی تلاش میکنیم و

تردیدی نداریم که پیروزی با ماست. یک بار دیگر برگزاری موفق کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری را به همه شما رفقا تبریک می گویم. زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری (از طرف جمعی از جوانان کمونیست تهران)

سلامی گرم به کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری در حالی برگزار می شود که بحران اقتصادی تمام سیستم سرمایه داری را فرا گرفته و تمام حکومت های دیکتاتور دنیا دارند سرنگون می شوند. درایران جنبشی در راه است و دارد توی خیابانها مبارزه می کند که صدای مرگ بر دیکتاتور، حکومت انسانی، و آزادی سر می دهد. ودر دانشگاهها پرچم "سوسیالیسم یابریت" بالا می برند. این حزب در دل جامعه حضور دارد و هر روز در حیابان و دانشگاه و در جمعهای زنان و جوانان حرف از این

قیمت ها روند رشد صعودی را طی می کند و مرغ و گوشت قرمز درهین هفته بیش از ۳۰ درصد گران تر شده اند. درحال حاضر گوشت مرغ درآب خوابیده درتهران هر کیلو ۴۵۰۰ تومان و گوشت قرمز تا مرز ۲۲۰۰۰ تومان هم رسیده است. از دخالت دولت در بورس و ارز و سکه و مسکن و حمل و نقل و... معلوم است که معنی "تنظیم بازار" چیست. الان دیگر معلوم می شود که وقتی گفته می شود که دولت مشغول تنظیم بازار است، معنی اش این است که دارد فضا و زمینه را برای گران شدن ارزاق و کالاها، آماده و تنظیم می کند. این را از همایش حمایت از مصرف کننده! می توان فهمید. معاون اول درپایان سخنرانی اش، به وادی موعظه وارد شده و درافشانی کرده است که: "... بنابراین اگر کسی به بهانه ی گرانی ارز، اجناس ازقبیل خریداری شده را به قیمت بالاتری بفروشد، مال حرام وارد زندگی خود کرده است". و همان طور که گفته شد درپایان بندی این سخنرانی دردمندان! معلوم شد که علت گریه

از کالا، یعنی آن قدر گوشت و مرغ و برنج و روغن و چای و مایحتاج ضروری و کالاهای اساسی معیشت مردم در بازار ریخته که قیمت ها به طرز شگفتی تا سرحد قدرت خرید قاطبه ی مردم پایین خواهد آمد. اما معاون اول که مثل همه ی همپالکی هایش عادت دارد مسایل را به صورت پادروها و به شکل چند پهلو عنوان کند و چیزی گفته باشد تا چیزی گفته باشد، مشخص می کند که منظورش از مایحتاج ضروری خرید شب عید مردم، همانا نازگی و سیب و پرتقال است که معمولا وارداتی است تا در این تجارت چرب و پیچلی که در دست خودشان و آقا زاده هایشان است سوده های سرشار و یادآورده به جیب های گشادشان سرازیر شود. و البته در این سوداگری زود بازده، تولیدات داخلی که به شمن بخش از دست باغداران و کشاورزان بیرون آورده شده، روی دست بنکداران و دلالان باد کند! وزیر صنعت و معدن و تجارت در حالی مشغول "تنظیم بازار" است که

بازتاب هفته

تحریم ها و جنگ اعلام نشده

بهروز مهرآبادی

قابلیت جمهوری اسلامی منحصراً به جنایت و چپاول نیست. وارونه جلوه دادن وقایع - اگر چه از سر ناچاری - رژیم را در این زمینه هم متخصص کرده است. مجلس اسلامی روز ۹ اسفند مصوبه ای منتشر کرد که بر اساس آن وزارت صنعت، معدن و تجارت اجازه دارد از ثبت سفارش و واردات کالاهای غیر ضرور و دارای مشابه ساخت داخل، جلوگیری کند. بانک مرکزی هم در بخشنامه ای به بانک های کشور ابلاغ کرد که ثبت سفارش واردات پس از احراز شرایط و اولویت خاص صورت می گیرد. این را می توان بخشی از تلاش بیهوده احمدی نژاد دانست تا به

این وسیله عمل خود را پشتیبانی از تولید داخلی وانمود کرده و حمایت بخش هایی از بورژوازی و بورژوازی ناسیونالیست ها را بخود جلب کند. این سیاست قبلاً و بویژه در اواسط دهه ۷۰ در دولت هاشمی رفسنجانی در پیش گرفته شد و دلیل واقعی آن از سر ناچاری و محدودیت ارزی است که هر روز اثرات خود را بیشتر نشان می دهد.

خبرگزاری رویتر گزارش داد که بدنبال شدت گرفتن تحریم ها بانک اسلامی نور در دوی که انتقال بیش از ۶۰ درصد از درآمد نفتی جمهوری اسلامی را بر عهده داشته است، روابط تجاری خود را با جمهوری اسلامی قطع کرده است. بخاطر تحریم بانک مرکزی و سیستم بانکی ایران، محمود بهمنی رئیس بانک مرکزی اعلام کرد که ایران در

مبادلات تجاری با سایر کشورها علاوه بر ارز کشورهای طرف معامله می تواند طلا نیز دریافت کند. معاملات جمهوری اسلامی با کشورهای هند و چین که بزرگترین خریداران نفت ایران هستند، با واحد پول این کشورها انجام می شود. به این ترتیب با کنار گذاشته شدن از سیستم بانک داری جهانی، بازرگانی جمهوری اسلامی ناچار است يك قرن به عقب باز گردد، یا خود را محدود به تولیدات چین، هند و ترکیه کند و یا اینکه محصولات مهم مورد نیاز را دست دوم از طریق شرکت های واسطه و در بازار قاچاق، تهیه نماید. آمریکا و دولت های اروپایی بر تصمیم خود مبنی بر شدت بخشیدن به تحریم ها مصمم هستند. تحریم ها قبل از هر چیز تأثیرات مدهش و فزاینده خود را بر زندگی مردم نشان داده اند. بیکاری، گرانی و کمبود مواد اولیه زندگی به بالاترین سطح خود رسیده است. در اواسط دی ماه

اسداله عسگر اولادی رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین و از دست اندرکاران قدیمی نظام از بروز حتمی خبر داد. گفته های این تاجر قدیمی بر خلاف تبلیغات رژیم بود. هر چند که عسگر اولادی پس از تشرخامنه ای حرف خود را تعدیل کرد ولی موقعیت وخیم اقتصادی و فقر و بیخانمانی مردم، گوش به فرمان ولی فقیه نیستند و قیمت نان، گوشت، شیر و سایر مواد مصرفی مردم از ابتدای سال بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته و همچنان رو به افزایش است. جمهوری اسلامی به بازی موش و گربه با آمریکا و اروپا بر سر پروژه اتمی خود ادامه می دهد. غرب در پی اهلی کردن حکومت اسلامی است ولی رژیم می داند که کوتاه آمدن چه در مقابل مردم و چه در عرصه بین المللی می تواند موجودیتش را به خطر بیندازد. ممانعت رژیم از بازدید بازرسان سازمان انرژی اتمی از مجتمع نظامی پارچین را بر مبنای

همین سیاست می توان دانست. جمهوری اسلامی می داند که آمریکا و اروپا در حال حاضر قصد و توان حمله نظامی به ایران را ندارند. حمله نظامی اسرائیل هم بدون حمایت آمریکا نمی تواند کارآئی داشته باشد و فقط ابزار تبلیغاتی بیشتری در اختیار جمهوری اسلامی می گذارد. به این ترتیب در شرایط فعلی تحریم های اقتصادی تنها ابزار آمریکا و متحدان اروپایی اش برای رام کردن جمهوری اسلامی است. اما این تحریم ها در حقیقت جنگ اعلام نشده بر علیه مردم ایران است و میلیونها نفر از مردم صدمات این جنگ را در زندگی خود دیده اند. این جنگ و کل این کشاکش نمی تواند بدون آغاز مجدد انقلاب مردم و سرنگونی جمهوری اسلامی پایان بگیرد، هر چند که این چشم انداز خوشایندی برای آمریکا و متحدان اروپایی اش نمی تواند باشد. *

چند خبر از کارگران زندانی و احضار فعالین کارگری

سلامتی شیت امانی در خطر است

بنا بر گزارش کمیتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، وضعیت جسمانی شیت امانی از چهره های شناخته شده و محبوب کارگری و عضو هیئت مدیره اتحادیهی آزاد کارگران ایران" که هم اکنون در زندان مرکزی شهر سنندج در بازداشت بسر میبرد، بسیار وخیم است. طبق این خبر که هشتم اسفند منتشر شده، به دلیل مشکلات و ناراحتی های جسمی از ناحیهی ستون فقرات، عفونت شدید سراسر بدن شیت امانی را فرا گرفته و شرایط خطرناکی برای او به وجود آمده است. جانین اسلامی از انتقال وی به مراکز درمانی خارج از زندان خودداری کرده و جان وی در خطر است.

بهنام ابراهیم زاده به معالجه فوری نیاز دارد

بر اساس اخبار منتشر شده، بهنام (اسعد) ابراهیم زاده، از فعالین کارگری شناخته شده و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری که هم اکنون در بند ۳۵۰ زندان اوین به سر میبرد به دلیل بیماریهای مختلفی چون درد شدید در گوش، و مشکلات کلیوی که اخیراً پیدا کرده است، زیر فشار شدیدی قرار دارد.

پس از این اعتراض همانجا احضاریه کتبی به شریف و مظفر ابلاغ شد. بر اساس این احضاریه آنان روز دوشنبه ۱۵ اسفند باید در شعبه يك دادگاه انقلاب سنندج حضور پیدا کنند. مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه به ترتیب روزهای ۱۵ و ۱۸ دی از سوی نیروهای امنیتی و با اتهامات واهی دستگیر و بدنبال تجمعات اعتراضی پی در پی تعدادی از مردم و اعضای اتحادیه در شهر سنندج و خانواده هایشان در روز ۲۹ همان ماه از زندان آزاد شدند. شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا بخاطر مبارزاتشان و دفاع از حقوق کارگران است که مورد پیگرد و تهدید و فشار جمهوری اسلامی قرار دارند. همانطور که خانواده های این عزیزان با پشتیبانی مردم و با اعتراضاتشان توانستند آنها را از زندان رها کنند، باید در مقابل این احضارها نیز بایستند و مظفر و صالح را همراهی کنند. باید پرونده های تشکیل شده برای آنان لغو و این فشارها و تهدیدات فوراً متوقف شود.

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا دوشنبه هفته آینده دادگاهی خواهند شد

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا دو فعال کارگری شناخته شده در شهر سنندج و از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران روز دوشنبه هشتم اسفند ماه از طریق تماس تلفنی به دادگاه شعبه يك انقلاب سنندج احضار شدند. پس از حضور شریف و مظفر در دادگاه در این روز به آنان اعلام شد که پرونده هایشان روز هفتم اسفند از شعبه چهار دایاری به این دادگاه رسیده و باید پرونده آنان مورد رسیدگی قرار گیرد. این موضوع با اعتراض شریف و مظفر مواجه شد و آنان خواهان احضاریه کتبی برای حضور در دادگاه شدند.

شاهرخ زمانی و محمد جراحی به مجامع عمومی از جمهوری اسلامی شکایت دارند

بنا به گزارش منتشر شده از سوی کمیته حمایت از شاهرخ زمانی در سوم اسفند ماه، حکم ۱۱ سال زندانی برای شاهرخ زمانی از فعالین کارگری شناخته شده در شهر تبریز که شعبه ۱

میتوانند وکالتشان را برعهده بگیرند خواهان کمک و همکاری شده اند. صدور ۱۱ سال حکم زندان برای يك فعال کارگری بیسابقه است. باید در برابر چنین احکام سنگینی و تهدید و فشار دائمی بر روی فعالین کارگری ایستاد. باید دستگیری ها فوراً متوقف شود و همه کارگران زندانی و زندانبان سیاسی فوراً از زندان آزاد شوند. باید همصدا با شاهرخ زمانی و محمد جراحی به این احکام اعتراض کرد و صدای این اعتراض را جهانی کرد.

صفحه ۵

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com

شهلا دانشفر

00447779898968

bahram.soroush@gmail.com

بهرام سروش

0044-7852 338334

http://free-them-now.blogspot.com/p/

Free jailed workers in Iran



بازتاب هفته

سوریه: بیش از ۷۵۰۰ کشته در ۱۱ ماه!



محمد شکوهی

رژیم اسد در هفته های اخیر حملات گسترده ای را به استانهای حمص، ادلب و درعا آغاز کرده است. مقاومت و مبارزه گسترده ویا شکوه مردم و "ارتش آزاد سوریه" در استان حمص وارد چهارمین هفته خود شده است. شهر تا کنون عملاً خارج از کنترل نیروهای رژیم بوده است. هزاران نفر از مردم این شهر دست به مقاومت و مبارزه مسلحانه با رژیم زده اند. بمباران و گلوله باران وحشیانه حمص ادامه دارد. بر اساس آخرین گزارشات منتشر شده در دو هفته گذشته بیش از ۹۰۰ نفر از مردم و سربازان جدا شده از ارتش، توسط رژیم کشته، هزاران نفر زخمی گشته اند. براساس اطلاعاتی های "ارتش آزاد سوریه" مقاومت و مبارزه مردم و نیروهای وابسته به این ارتش در حمص ادامه دارد. ابعاد جنایات و وحشیگریهای رژیم و نیروهای سرکوبگر حد و مرزی نمی شناسد. اجساد کشته شدگان مردم در خیابانها رها شده است! آب و برق و تلفن قطع می باشد! بیمارستانهایی که مداوای مجروحین را انجام می داده اند، با تهدیدات ارتش تعطیل شده اند. نیروهای اطلاعاتی و امنیتی به همراه مزدوران اعزامی سپاه قدس جمهوری اسلامی، رسماً و علناً اقدام به اعدام زخمی ها، مردم و خانواده های وابستگان به انقلابیون سوریه می کنند. صدها نفر از اعضای خانواده های دستگیر شده در حمص، درعا و ادلب به دمشق منتقل شده و در زندانهای مخفی در دست سپاه قدس جمهوری اسلامی می باشند. فارس خبرگزاری سپاه پاسداران جمهوری اسلامی بطور تلویحی هفته گذشته "کمک به نقل و انتقال زندانیان سوریه" را تأیید کرد و بی شرمانه ادعا کرد که اینها "تروریستها" هستند. بنابر اخبار منابع مخالفان رژیم اسد صدها نفر از زخمی ها و دستگیر شدگان هفته های اخیر در شهرهای حمص و

دمشق قتل عام شده اند. علاوه بر این کشتار وسیع مردم در این هفته نزدیک به ۱۵۰ نفر تا آخر روز پنجشنبه اول مارس فقط در حمص و شهر بابا عمرو کشته شده اند. بعد از ظهر روز پنجشنبه خبرگزاریها اعلام کردند که ارتش سوریه حملات گسترده ای را علیه مردم در شهرهای حما، ادلب و درعا آغاز کرده است. هزاران نفر از نیروهای سرکوبگر در همراهی تانکهای ارتش و هواپیماهای جنگی، شهرهای نامبرده را زیر آتش گرفته اند. همزمان گزارش ها از حملات نیروهای امنیتی سوریه به مناطق تحت کنترل مخالفان در چند شهر استان ادلب، از جمله سرمین، معرّة النعمان و بنش خبر داده اند. جنگ رژیم اسد بر علیه مردم و نیروهای مخالفان در بیش از نصف این کشور ادامه دارد.

همزمان با این حملات رژیم اسد به مردم و شهرها، تلاش دولتها و سازمان ملل برای کشاندن رژیم اسد به پای آتش بس ادامه دارد. هفته گذشته صلیب سرخ اعلام کرد که در تلاش برای متقاعد کردن دولت سوریه برای امداد رسانی به مردم حمص می باشد، که این امر با مخالفت اسد روبرو گردیده است. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ضمن محکوم کردن کشتار مردم سوریه توسط رژیم اسد، خواستار آتش بس فوری گردید. اتحادیه اروپا تحریمها علیه رژیم اسد را تشدید کرد و آمریکا خواهان پایان دادن به کشتار مردم در سوریه شد. نتیجه تلاش های دیپلماتیک مراجع جهانی تا بعد از ظهر روز پنجشنبه اول مارس منجر به این شده که کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل قرار است به سوریه برود. در اقدامی دیگر اکثر کشورهای عربی روابط سیاسی و اقتصادی شان را با رژیم اسد به حال تعلیق درآورده اند. قطر و کویت رسماً از مخالفان اسد حمایت کرده و به همراه دولت لیبی میلیونها دلار قول کمک به مخالفان داده اند. در این میان دولت آمریکا غیر رسمی اعلام کرده است که در نظر دارد مخالفان رژیم اسد را مسلح نماید. روسیه و چین کماکان از رژیم اسد حمایت کرده و روابط سیاسی و اقتصادی شان را با دولت سوریه ادامه می دهند. جمهوری اسلامی و نیروهای سپاه

قدس رسماً در سرکوب مردم در سوریه شرکت دارند. در این هفته احزاب و دار و دسته هایی چون حزب الله لبنان و حماس با صدور بیانییه هایی اعلام کردند که از سوریه خارج می شوند. سازمانات تروریست اسلامگرای حماس که بخش اعظم تشکیلات رهبری اش در دمشق بود، مجبور شد در برابر انقلاب مردم سوریه فرار از سوریه را ترجیح بدهد. حماس با صدور بیانییه ای به نقل از اسماعیل هنیه نخست وزیر حماس روز جمعه هفته گذشته رسماً اعلام کرد: "من به تمام مردم بهار عربی درود می فرستم... به مردم قهرمان سوریه که برای آزادی، دموکراسی و اصلاحات تلاش می کنند درود می فرستم!"

در واکنش به این سخنان هنیه دار و دسته های دیگر اسلامی از جمله حزب الله و گروه عمل اسلامی نیز ناچار گردیده اند موضع "بی طرفی شان" در برابر انقلاب مردم سوریه را رفته رفته کنار بگذارند. از طرف دیگر فرماندهان نظامی دار و دسته های تروریست وابسته به حزب الله لبنان و سپاه قدس جمهوری اسلامی در نوار مرزی سوریه به لبنان، ضمن محکوم کردن این موضع گیری نخست وزیر حماس، اعلام کرده اند که در دفاع از رژیم اسد، وارد جنگ خواهند شد. بر اساس اخبار و گزارشات رسانه های منطقه ای هزاران نفر از دار و دسته های مسلح وابسته به این دو جریان در حال آماده شدن برای ورود به سوریه و کمک به رژیم اسد در سرکوب مردم می باشند. لازم به توضیح است که دفاتر حماس و حزب الله از ترس حملات مردم انقلابی سوریه بر علیه این دفاتر در سوریه رسماً تعطیل شده و نیروهای مستقر در این دفاتر به مراکز اطلاعات و امنیتی رژیم سوریه منتقل شده اند. در اواخر هفته گذشته رژیم اسد فرماندوم قانون اساسی را برگزار کرد. این فرماندوم به اسد "حق ماندن در قدرت تا سال ۲۰۲۸" را می دهد. نمایش فرماندوم حکومتی در حالی برگزار شد که کشتار مردم در حمص ادامه داشته است. رژیم اسد هم عین جمهوری اسلامی ادعا کرد که بیش از ۹۸ درصد "مردم" در فرماندوم شرکت کرده اند.

انقلاب مردم سوریه توازن قوا را نه فقط در داخل این کشور به نفع انقلاب، بلکه اوضاع سیاسی منطقه

را نیز بشدت تحت تاثیر قرار داده است. در برابر عظمت و قدرت این انقلاب سران مرتجع ترین و عقب مانده ترین دیکتاتوریها در کشورهای خاورمیانه و کشورهای عربی، ناچاراً سرتغظیم فرود آورده اند. و مهمتر از همه توازن قوا بشدت به ضرر اسلام سیاسی و جریانات وابسته به آن از جمله جمهوری اسلامی تغییرات جدی کرده است. انقلاب مردم سوریه حمایت و سمپاتی بخش اعظم مردم در این کشور ها را با خود دارد. روزی نیست که تظاهراتهای حمایتی از این انقلاب مردم در این کشورها برگزار نگردد. رژیم اسد در داخل کشور دارد کنترلش را از دست می دهد. حتی کمکهای بلامنزاع جمهوری اسلامی هم نتوانسته فرجی برای اسد باشد. احزاب و دار و دسته های تروریست اسلامی دچار سردرگمی و بحران در برخورد به انقلاب مردم سوریه شده و بعضی ها نظیر حماس مجبور شده اند، تاکتیکی هم که شده از مبارزات مردم سوریه بر علیه رژیم اسد حمایت نمایند. در لبنان که پایگاه اصلی هواداران رژیم سوریه و طبعاً جمهوری اسلامی در حمایت از رژیم اسد بود، صف بندیهای تروریستهای اسلامی را به هم ریخته است. مردم طرابلس لبنان که از قضا تحت

حکومت حزب الله می باشد، بر علیه سوریه و جمهوری اسلامی و در حمایت از انقلاب مردم سوریه تظاهرات فراخونی می دهند. در نوار غزه که حماس قدرت را در دست دارد حمایت جوانان از انقلاب مردم سوریه و محکومیت رژیم اسد ادامه دارد. حماس در این منطقه زیر فشار می باشد. در قاهره و تونس و بنغازی و چندین شهر دیگر در کشورهای عربی، کمیته های حمایت از مردم و انقلاب سوریه شکل گرفته است. در مصر جمع آوری کمکهای مردم برای ارسال به انقلابیون و مردم شهرهای محاصره شده ادامه دارد. نبض انقلابیهای خاورمیانه و شمال آفریقا، دیگر مدتهاست که در سوریه می زند. پیروزی انقلاب مردم سوریه يك شکست بزرگ برای اسلام سیاسی و حامی اصلی آن جمهوری اسلامی خواهد بود. کل منطقه را زیر و رو خواهد کرد. بی دلیل نیست که سران و مقامات جمهوری اسلامی "احساس خطر" کرده و با تمام توان و قدرتش از رژیم جانی اسد حمایت می کنند. اما نفس همینکه جریاناتی مثل حماس ناچار میشوند از مبارزات مردم علیه رژیم اسد دفاع کنند خود نشان دهنده اینست که حکومت بشار اسد علیرغم جنایات بسپارش قابل نجات دادن نیست.*

چند خبر از کارگران زندانی و ...

عبدالرضا قنبری معلم زندانی در معرض اجرای حکم اعدام

مدت دو سال است که حکم اعدام بالای سر عبدالرضا قنبری معلم ادبیات فارسی یکی از مدارس پاکدشت، استاد دانشگاه و از بازداشت شدگان اعتراضات ششم دی ماه سال ۸۸ قرار دارد. او از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در تهران حکم اعدام گرفته است و سخن از ارسال پرونده او به کمیسیون عفو و بخشودگی دادگستری و تعلیق آن بود که اکنون خبر تایید اجرای حکم را می شنویم. عبدالرضا هم اکنون در بند ۳۵۰ اوین زندانی است و به اتهام ارتباط با

از صفحه ۴

سازمانهای اپوزیسیون رژیم به او حکم اعدام داده شده است. او در زمان بازداشت و بازجویی مورد ضرب و شتم، بدرفتاری و اخذ اقرار غیر واقعی قرار گرفته و همچون سیاست همیشگی جمهوری اسلامی از دسترسی به وکیل و تماس با خانواده محروم بوده است. اکنون خطر اعدام بر روی سر او قرار گرفته است. باید وسیعاً به این حکم اعتراض کرد. عبدالرضا قنبری باید فوراً از زندان آزاد شود. ما همه کارگران و مردم را به دفاع از عبدالرضا قنبری فرا میخوانیم.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمیین برای آزادی کارگران زندانی
۱۱ اسفند ۹۰، ۱۰ مارس ۲۰۱۲

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی

بدل میشود!

حکومت اسلامی کلافه از "حساسیت انتخابات"

بهر روز مهر آبادی



مردم ایران با بیش از سه دهه آشنایی با فرهنگ جمهوری اسلامی، آموخته اند که از پس لفافه سخنان "ولی فقیه"، مضمون واقعی بیانات ایشان را درک کنند. وقتی او از "فتنه گران" صحبت می کند منظورش یاران و همکاران قدیم نظام است که سلیقه متفاوتی با "رهبر" پیدا کرده اند. یا منظورش از "منحرفین"، کسی بجز رئیس جمهور امام زمانی و دار و دسته اش نیست. اینبار هم وقتی که رهبر نظام دو روز قبل از برگزاری "انتخابات" در صحنه حاضر می شود و می گوید: "حساسیت این انتخابات از دفعات پیش بیشتر است"، همگی متفق القول این را چنین ترجمه می کنند که: "مردم ممکن است دوباره علیه حکومت میلیونی به خیابان بریزند". این را از صحبت های "سردار" احمدی مقدم هم می توان دریافت که از حضور ۸۵ هزار نیروی بسیجی، آماده باش کلیه نیروهای مسلح و در نظر گرفتن نیروی احتیاط برای سرکوب هر گونه اعتراض، خبر می دهد. و در هم

اسکار و ناسیونالیسم ایرانی

یاشار سهندی

همانگونه که انتظار میرفت فیلم "جدایی نادر از سیمین" برنده جایزه اسکار شد. روزنامه های داخل کشور تیتیر زدند که "کلسیون سینمای ایران تکمیل شد". معاون سینمایی وزیر ارشاد گفت این ادامه جشنواره فجر بود و مشت محکمی بر دهان استکبار! صدا و سیما جمهوری اسلامی اما با این موج همراهی نکرد، انگار نه انگار که به گفته جناب معاون جواب استکبار داده شده. شاید حق با صدا و سیما بوده استکبار قصد داشته با این جایزه "آذنان را منحرف کند" چرا که آقا گفته در انتخابات شرکت کنید تا مشت محکمی بر دهان استکبار باشد. سلحشور گفت: امام گفته اگر خارجها از شما تعریف کردند شک کنید! رسانه های راست فارسی زبان ماهواره ای ام سر از پا نشناخته نمیدانستند خبر را چگونه پخش کنند! سخنان اصغر فرهادی هنگام گرفتن جایزه، ده ها بار پخش

منتقدان دولت، "جبهه حامیان ولایت"، "جبهه بصیرت و بیداری اسلامی"، "جبهه عدالت و مهرورزی"، "ائتلاف بزرگ اصولگرایان"، "جبهه توحید و عدالت" و الی آخر... بخاطر گرم کردن بازار "انتخابات" و جلب توجه مردم نیست. هر جبهه از از کینه و نفرت خونی نسبت به بقیه کاملاً شارژ است. افشاکری ها، رو کردن پرونده های دزدی ها و چپاول اموال مردم، تهدید باندهای حریف و به محاکمه کشاندن افراد، گوشه کوچکی از دعوای خونی است که در پشت پرده پنهان است و سر هر پیچی ممکن است بیرون بزنند. تمام تلاش جمهوری اسلامی و بویژه خامنه ای سرپوش گذاشتن روی این دعوای پنهان داشتن آن از چشم مردمی است که منتظر هستند تا از هر فرصتی و از هر شکاف درون حکومت برای پایان دادن به کار آن استفاده کنند. این وحشت رژیم را می توان در تشدید فضای امنیتی و خفقان، تشدید پارازیت بر روی تلویزیون های ماهواره ای و اخلاص و قطع ارتباطات اینترنتی در تهران و بسیاری از شهرهای ایران، بخوبی مشاهده کرد. اصلاح طلبان نظام که هنوز نتوانسته اند پایان کار خود را بعد از

همایون کار را تمام کرد و نشان داد که این يك اتفاق کاملاً فرهنگی است!! در هنگام اکران فیلم در ایران که همزمان با فیلم اخراجیها- قسمت ۳ ده نمکی، چماق دار معروف بود که حالا با "سلاح فرهنگی" به جنگ فرهنگ می رود!، اس ام اس و ایمیل بود که رد و بدل میشد که به لجه ده نمکی هم شده برویم تماشا! "جدایی" میگیرند این فیلم (یعنی "جدایی سیمین...") برشی از وضعیت زندگی مردم ایران در این برهه است. در این فیلم خانواده کارگری ای حضور دارند به شدت تهیدست، اما مردمانی با ایمان و با خدا و اهل حرام و حلال، که بدون اجازه حکم شرعی هیچکاری نمیکند. و شخصیت های نگون بخت برای این در این فیلم جان میگیرند که شخصیت اصلی فیلم یعنی مردی از "طبقه متوسط" برجسته شود. این مرد آزاد اندیش است، دلسوز است. صادق است، در ضمن زیر بار حرف زور هم نمی رود. اما کارگر کفکش عصبی است و بدهکارو در آستانه زندانی شدن، سعی دارد از موقعیت پیش آمده در داستان فیلم نفعی ببرد که شکست میخورد. همه در این فیلم

خاتمه حکومت محمد خاتمی درک کنند، در این دوره دعوا بر سر کرسی های مجلس بیشتر از پیش مفتضح شده و به عقب رانده شدند. با وجود تلاشهایی که کردند، ولی فقیه نتوانست اجازه شرکت در این دعوا را بدهد. خامنه ای برای کنترل اوضاع در صحنه منازعه با رئیس جمهور خود گمارده خود، تمام نیرویش را به میدان آورده و دیگر توان شرکت دادن حریفان سابق را در این میدان، نداشت. امتناع حکومت از پذیرفتن اصلاح طلبان و از طرف دیگر بحران و بن بست اقتصادی - سیاسی جمهوری اسلامی و نفرت بیش از حد مردم از رژیم، آنها را ناچار کرد تا اعلام کنند از شرکت در انتخابات خودداری خواهند کرد. ولی در عین حال در وحشت از به خیابان آمدن مردم و از سرگیری جنبش سرنگونی و برای نشان دادن علاقه خود به حفظ نظام، به مردم فراخوان داده اند تا در روز ۱۲ اسفند در خانه ها باقی

مانند. بخش عمده "تبلیغات انتخاباتی" کانیداها برای جلب رضایت "رهبر"، شورای نگهبان، وزارت کشور و دست اندر کاران تقسیم صندلی های مجلس است. در میان این تبلیغات کسی حرفی در مورد امکان بهتر

به بن بست میرسند اما چیزی که در این میان به تعالی میرسد صداقت است. مهم نیست کجا گرفتار شدی و برای چی درمانده شدی مهم این است که صداقت شکوفا شود. و در این دور و زمانه که تمام دنیا در بن بست قرار گرفته که نظام سرمایه داری پیش روی بشریت گذاشته پیام اخلاقی فیلم بیشتر مفهوم پیدا میکند. هیچ توطئه صهیونیستی و فراماسونری و از این چیزها در کار نیست ۶ هزار نفری که در رای دادن در اسکار نقش دارند به اساس روابط حاکم و به مذهب و حجاب و فقر و شکاف طبقاتی و دادگاههای کذایی جمهوری اسلامی نقدی ندارند. برای همین این فیلم میتواند بهترین فیلم شان باشد. شاید سخنان اصغر فرهادی بیان نظرات همه ایشان بود که شاید نگران

درگیری در جنگی دیگر بودند. اما نکته مهمتر برای ما در اینجاست که با این جایزه، تمام زشتی و پلیدی افکار ناسیونالیستی دوباره اوج گرفت و نشان داد که این جریان چقدر میتواند مخرب باشد. گفتند و میگویند: احمدی نژاد بد است و زشت سیرت نه بخاطر اینکه تمام اندیشه

شدن شرایط زندگی مردم نمی زند. رو در روی مردم با جمهوری اسلامی جایی برای اینگونه تعارف ها نگذاشته است. رژیم متزلزل تر از آن است که بتواند کوچکترین عقب نشینی در مقابل مردم داشته باشد و یا توانائی این را داشته باشد که کمترین بهبودی در وضعیت زندگی مردم بدهد. نزاع بر سر تصرف يك نهاد قدرت در درون حکومت است. این انتخابات نیز طبق معمول برای مردم "حساسیتی" ندارد و برایشان تفاوت چندانی نمی کند که باند "رئیس جمهور" و یا دار و دسته "ولی فقیه" برنده این دعوا باشد. نتیجه "انتخابات" آتی مجلس اسلامی، تشدید اختلافات، پدید آمدن شکاف های بیشتر و مصمم تر شدن مردم برای پایان دادن به کار رژیم است. "حساسیت انتخابات" پیکر خامنه ای و نظام اسلامی را به خارش و پیچ و تاب انداخته است. نه قمه کش های صلوات گوی "رهبر" و نه لشکر جن گیران مجهز به گاز اشک آور و تانک های دولتی تا بحال نتوانسته اند داری ضد "حساسیت" نظام باشند. باید منتظر "حساس تر" شدن اوضاع و تشنج بیشتر در پیکر حکومت اسلامی بود.*

هایش و اعمال اش بر ضد نفس زندگی انسانی است بلکه بدین خاطر است که نام ایرانی را لکه دار کرده است و اسکار این فیلم مرهمی بوده بر این شرمندگی! جمهوری اسلامی منفور است نه بخاطر اینکه زندگی میلیونها انسان را به تباهی کشیده است و صدها هزار انسان را اعدام کرده است این جمهوری بد است چون بعضی نمی توانند بر ایرانی بودن خود زیاد افتخار کنند. و سخنان فرهادی نشان میدهد که "ایرانی ها تروریست نیستند!" گفتند فرهنگها محترم هستند تا بتوانند نظرات ضد زن و ضد کودک و ضد مردمان پایین دست جامعه را را محترم بدارند. فرهنگهای کهن بزرگ داشته میشوند تا مردم به آینده چشم نداشته باشند و مبادا چیزی بخواهند چون گویا همه چیز در ۲۵۰۰ سال پیش فراهم بوده است. و مرتب تکرار شد که در منطقه خاور میانه ایرانیان تنها ملت و اولین ملتی بودند که اسکار برنده شدند. همه اینها نشان میدهد که ناسیونالیسم چه ظرفیت عظیمی دارد که جامعه بشری را تا معرض

اطلاعیه پایانی کنگره هشتم ...

از صفحه ۱

در فاصله دو کنگره سازماندهی شده است، بدست داد. در این گزارش به تأثیرات قابل توجهی که حزب در فضای سیاسی جامعه ایران و جنبش کارگری داشته است، تغییرات قابل توجهی که در تشکیلات داخل کشور حزب بوجود آمده، به نقش تلویزیون کانال جدید، فعالیت حزب در خارج کشور و درآمدها و هزینه های حزب اشاره شد. فعالیت های درخشانی که علیه جمهوری اسلامی و علیه اعدام و سنگسار مخصوصا در جریان کمپین نجات سکینه آشتیانی در سطح جهان صورت گرفت، ابعاد تأثیری که فعالیت کادرهای حزب در شکل گیری یک قطب روشن علیه اسلام سیاسی در سطح جهان داشته است و نیز فعالیت های گسترده ای که در دفاع از زندانیان سیاسی و کارگران زندانی و دفاع از حقوق پناهندگان و غیره صورت گرفته است گوشه های دیگری از این گزارش بود.

شش قطعنامه در رابطه با اوضاع جهان و ایران و چند قرار در دستور کنگره بود. کنگره قطعنامه های "نقد دولت مافوق مردم در انقلابات و جنبش های اعتراضی در دوره حاضر"، "بحران بورژوازی در ایران"، "خصوصیات دولت برآمده از انقلاب"، "جنبش کارگری و جایگاه مجمع عمومی"، "شرایط اضطراری در این" و نیز قرار در حمایت از مبارزه سکولارهای کشور آذربایجان را تصویب کرد. اما قطعنامه "اوضاع سیاسی و جدال دو آلترناتیو طبقاتی در ایران" و چهار قرار ارائه شده به کنگره بدلیل کمبود وقت به کمیته مرکزی واگذار شد. علاوه بر این "میثاق جهانی ۹۹ درصدی ها" بعنوان بیانیه کنگره هشتم حزب به زبان فارسی و انگلیسی قرائت شد و مورد تأیید پرشور حضار قرار گرفت. متن همه مصوبات کنگره همراه با پیام های کنگره به کارگران، به زنان و به زندانیان سیاسی در ایران در نشریات و سایت های حزب منتشر میشود.

در مبحث انتخابات کنگره هشتم حزب ۶۱ نفر را بعنوان اعضای کمیته مرکزی انتخاب نمود که عبارتند از: فریده آرمان، کیان آذر، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبه اسدی، ناصر اصغری، غلام اکبری، نازنین برومند، بهروز بهاری، سیامک بهاری، سیما

سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، جانباختگان انقلاب مردم ایران و به یاد رفقای عزیز منصور فرزاد و منصور حکمت کار خود را شروع کرد.

در سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی لیدر حزب ضمن اشاره به اوضاع و احوال نوین جهان پس از انقلابات مصر و تونس و جنبش ضد سرمایه داری در غرب بر این تأکید گذارد که حزب ما باید پرچمدار یک کمونیسم سیاسی باشد و توجه جنبش جهانی ۹۹ درصدی ها را به امر قدرت سیاسی و برپایی دولت نوع کمون معطوف کند. او همچنین توضیح داد که چگونه معضل حکومتی و بحران خانگی بورژوازی در ایران اکنون به یک مساله جهانی تبدیل شده و از سوی دیگر بحران حکومتی بورژوازی در ایران تحت تأثیر بحران جهانی سرمایه داری به یک معضل استراتژیک تبدیل شده است. او با توجه به این شرایط بر نقش فوق العاده حزب ما در سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری سوسیالیسم در ایران و ارائه الگوی پیروزی به همه انقلابات و جنبش های ضد سرمایه داری تأکید گذارد.

بدنبال افتتاحیه، اعتبارنامه نمایندگان و صحت انتخابات مورد تأیید قرار گرفت و پس از انتخاب هیات رئیسه، تصویب آئین نامه و دستور پیشنهادی، فشرده ای از پیام های رسیده به کنگره قرائت شد که مجموعه وسیع و شورانگیزی از خانواده زندانیان سیاسی و در معرض اعدام و جمع های کارگری داخل کشور تا احزاب و شخصیت های کمونیست را در برمیگرفت. عصام شکر دبیتر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق شخصا پیامش را به کنگره ارائه کرد و تعدادی از فعالین اتحادیه های کارگری و سوسیالیست هائی از کشورهای فرانسه و سوئد حاضر در کنگره و همینطور آقار محمد اف رئیس سازمان اومانیسیم و آنتیسیم نوین کشور آذربایجان پشت میکروفون آمدند و پیام های کوتاهی دادند. کنگره سپس وارد دستور شد.

در مبحث گزارش، اصغر کریمی رئیس هیات دبیران حزب تصویر همه جانبه و روشنی از فعالیتهای حزب که

بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، آذر پویا، فریبرز پویا، محمد رضا پویا، الیا تابش، حمید تقوایی، امیر توکلی، کیوان جاوید، جلیل جلیلی، فرشاد حسینی، بهمن خانی، شهلا دانشفر، میترا دانشی، پاسکال دیکام، پتی دبوینتاس، بهرام سروش، کریم شامحمدی، سهیلا شریفی، عصام شکری، محمد شکوهی، ایمان شیرعلی، مصطفی صابر، سوسن صابری، حسن صالحی، مهین علیپور، مرتضی فاتح، رضا فتحی، آوات فرخی، جمیل فرزاد، مرصده قائدی، اصغر کریمی، محمد امین کمانگر، خلیل کیوان، عبدل گلپریان، شیوا محبوبی، یدی محمودی، رضا مرادی، فرشته مرادی، شهناز مرتب، بهروز مهرآبادی، کاوش مهران، نوید مینائی، مریم نمازی، سمیر نوری، کاظم نیکخواه، افسانه وحدت، رحیم یزدانپرست و بابک یزدی.

در نشست کوتاه اعضای کمیته مرکزی که بلافاصله بدنبال کنگره برگزار شد، حمید تقوایی به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته مرکزی و ۲۱ نفر زیر به عنوان عضو دفتر سیاسی انتخاب شدند:

فریده آرمان، کیان آذر، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبه اسدی، سیما بهاری، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، عصام شکری، مصطفی صابر، حسن صالحی، مرتضی فاتح، یدی محمودی، اصغر کریمی، خلیل کیوان، نوید مینائی، مریم نمازی و کاظم نیکخواه. در این نشست مصطفی صابر بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب گردید. در نشست کمیته مرکزی همچنین تصمیم گرفته شد که اسم هیئت دبیران حزب به هیئت اجرایی تغییر کند.

سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی به دستاوردها و فضای کنگره و اهمیت اسناد مصوبه آن اختصاص داشت. در این کنگره چهار نفر از مهمانان و ناظرین (از ایران و ترکیه و افغانستان) به عضویت حزب در آمدند. پس از دو روز بحث و تصمیم گیری و در فضائی گرم و صمیمانه، کنگره هشتم حزب، با تشکر از دست اندرکاران سازماندهی کنگره به کار خود پایان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ اسفند ۱۳۹۰، ۲۹ فوریه ۲۰۱۲

حزب کمونیست کارگری ایران



اسکار و ناسیونالیسم ...

فروپاشی ببرد. میگویند ایرانیان مردم صلح دوستی هستند و کینه جو و جنگ طلب نیستند اما ناسیونالیسم ضد عرب نشان میدهد پشت این سخنان چقدر خون خوابیده است. و باید هوشیارانه به افشای این گرایش ناسیونالیستی پرداخت که هر

از صفحه ۶

بار به بهانه ای سر بر می آورد یک روز نوبل، یک روز ماهواره امید، روز دیگر جام جهانی فوتبال، یک روز حتی پروژه مریخ نوردی ناسا، و روز دیگر خرس طلایی، و حالا هم اسکار*

میثاق جهانی ۹۹ درصدی ها!

بیانیه کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

چند دهه گذشته و موازنه سیاسی و ایدئولوژیک را به نفع انقلاب در وضع موجود "برهم زده و تغییرات بسی وسیعتر هنوز در راه است.

کنگره هشتم تاکید میکند که حزب کمونیست کارگری ایران دست در دست کارگران آتن، اوکلند، سوئز و پتروشیمی های ماهشهر، در کنار جوانان نوار غزه، حمص، تل آویو، مادرید، مسکو و تهران، و همراه با زنان شجاع و آزادیخواهی که همه جا در خط مقدم این تلاش جهانی قرار دارند - به صف انقلابات حاضر و جنبش "۹۹ درصدی" ها برای رهایی تعلق دارد. کنگره اعلام میکند که شرط پیروزی این جنبش جهانی برای رهایی انسان، خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی در هر گوشه جهان است. همانگونه که تجربه انقلابات تونس و مصر و لیبی نشان میدهد کنار بردن دیکتاتورها از جلوی صحنه و حفظ دیکتاتوری

که بر متن بحران و بن بست اقتصادی سرمایه داری جهانی، صف "۹۹ درصدی ها" در همه جا و به اشکال مختلف بر علیه نظام سود و بازار و مزد، بر علیه دولت، بورکراسی و دمکراسی مترادف با آن، و ایضا بر علیه مقدرات و ارزش های آن اعم از مذهب، ناسیونالیسم و هرگونه مسخ هویت انسانی بپا میخیزد. سال طوفانی ۲۰۱۱ در تاریخ بشر بعنوان سرآغاز موج جهانی انقلابات قرن بیست و یکم برای آزادی واقعی بشریت ثبت خواهد شد. جنبش عظیم و در جریانی که یکسر آن "میدان التحریر" قاهره و انقلاب "تان و کرامت انسانی" بر علیه دیکتاتورهای مادام العمر بود و سر دیگر آن "اشغال وال استریت" نیویورک و اعمال اراده "مجمع عمومی" و نقد عملی دمکراسی "یک درصدی ها" است. این موج جهانی انقلابی تا همینجا تلقیات و محاسبات کهنه

انقلاب تونس و مصر و سپس سیل خیزش های انقلابی بر علیه دیکتاتورها در خاورمیانه و شمال آفریقا، نشان داد که انقلاب ناتمام سال ۸۸ (۲۰۰۹) در ایران واقعه ای تک و جدا افتاده نبود. بلکه، همانطور که در کنگره قبل اعلام کردیم، خبر از پایان دوره سیاه تعرض "راست نوین"، "نظم نوین جهانی" و "جنگ تروریستها" میداد و از دل مردم جهان سخن میگفت. جنبش های ضد سرمایه داری سال ۲۰۱۱ در غرب اما (از شورش های "هیچ بودگان" در انگلیس تا جنبش های اعتصابی و اعتراضی در اسپانیا، یونان، اسرائیل، ایتالیا، فرانسه و غیره و تا "جنبش اشغال" در آمریکا و اروپا)، بنویه خود نشان داد که این دوره نوین انقلابات و خیزش های توده ای صرفا به مناطقی چون خاورمیانه محدود نیست. بلکه این یک وضعیت جدید و جهانشمول است

خلع ید گردد و زندگی به دست خود مردم و حکومت بلافصل شان سپرده شود.

حزب کمونیست کارگری در تعهد به این میثاق جهانی "۹۹ درصدی ها" باردیگر اعلام میکند که در پیشاپیش کارگران، زنان و جوانان ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و خلع ید از کل بورژوازی در ایران و برای برقراری آزادی و برابری و سوسیالیسم تلاش میکند. هر گام پیشروی بسوی یک جامعه آزاد کمونیستی در ایران درافزوده مهمی به جنبش جهانی و جاری ۹۹ درصدی هاست و تنها با اتکاء به حمایت کارگران و مردم جهان بردوام خواهد بود.

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران
۶ و ۷ اسفند ۱۳۹۰، ۲۵ و ۲۶ فوریه ۲۰۱۲

جامعه با آن دست بگریبان هستند، شرایط حساسی که از یک طرف جمهوری سیاه اسلامی و تمامی اوباش وابسته به آن هر روز در جنایت و سرکوب نقش آفرینی می کنند و از سوی دیگر سرمایه داری جهانی با حمایت از تفاله های پس افتاده از نظام حاکم در تلاش برای حفظ این نظام هستند، در شرایطی که مردم ایران زیر شرایط بد اقتصادی و تحریمها کم خرم کرده اند، این وظیفه ما کمونیست هاست که با اتحاد و همبستگی بتوانیم پرچم مستقل کارگران و زحمتکشان را برافزیم. شرایط حساس نیازمند اتحاد با تیزهوشی کمونیستی میباشد. برایتان یک کنگره موفق آرزو مندیم.

ناهدید نوین و امیر فریدونی از طرف رادیو پیام- کانادا

سرمایه توسط ژنرال ها و اسلامی ها و میلیون تنها پروژه ای نخ نما برای شکست انقلاب است. شرط اول پیروزی مردم در هم شکستن کامل دستگاه دولتی بورژوازی اعم از ارتش و بورکراسی و برقراری حاکمیت شوراها و ارگانهای اعمال اراده مستقیم همه شهروندان است. همچنین تجربه یونان و ایتالیا و فرانسه و انگلیس و آمریکا بخوبی نشان میدهد که سرمایه جهانی برای مقابله با بحران لاعلاج خود چوب تاراج به نفس زندگی بشر زده است. اکنون به ما اعلام میکنند که از هژده تا هفتاد سالگی باید یکسره جان بکنیم و کمتر بخواهیم تا نظام پوسیده بردگی مزدی حفظ شود. در غرب نیز راه دیگری برای رهایی نیست جز آنکه در قدم اول از دیکتاتوری سرمایه وسلطه بانکها و "یک درصدیها" که تحت نام دمکراسی و پارلمان اعمال میشود

هم افتاده و بر سر قدرت می جنگند. در چنین شرایطی ما فعالین و مردم مبارز باید از این فرصت مساعد برای تغییر توازن قوا به نفع مبارزه مردم برای ایجاد یک دنیای بهتر استفاده کنیم. امیدوارم این کنگره بتواند راههای سرنگونی حکومت اسلامی را برای ایجاد جامعه ای انسانی و برابر پیش پای ما بگذارد.

زنده باد حزب کمونیست کارگری اشکان نعمتی (کارگر سابق سایپا)

پیام به کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری
سلام گرم و کمونیستی ما را به اعضا و شرکت کنندگان حاضر در کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران برسانید. در شرایط دشواری که کارگران و زحمتکشان و تمامی اقشار

دو قرار مصوب کنگره ۸ در مورد تصویب اسناد باقیمانده

۱- کنگره بررسی و تصمیمگیری در مورد قطعنامه "اوضاع سیاسی و جدال دو آلترناتیو طبقاتی در ایران" را بعلت اینکده در آخرین روز برای نمایندگان ارسال شد و فرصت کافی برای دادن اصلاحیه وجود نداشت، به کمیته مرکزی واگذار میکند. نمایندگان کنگره نمیتوانند نظرات خود درباره این قطعنامه را برای کمیته مرکزی ارسال کنند.

۲- کنگره بعلت ضیق وقت، بحث و تصمیمگیری در مورد قراردادهای زیر "نقش جنبش کارگری در تحولات سیاسی ایران"، "دخالت و مسئولیت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی در خارج کشور"، "سازماندهی حزبی در دنیای مجازی، و" مدرنیزه کردن سازمان حزب" را به کمیته مرکزی میسپارد.

چند پیام به کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

ز.د. حرکتی که باید همه مبارزین واقعی با اتحاد حول حداقل مشترکات به آن دست یابند. موفق و پیروز باشید.

مهوش علاسوندی

خانم احدی بی نهایت محترم و عزیز

با تشکری دوباره از شما و تمام انسان های خوبی که در این چند روز صمیمانه مرا همراهی کردند.

با سلام به شما که بر پا و استوار ایستاده اید تا دنیای بهتری بسازید. مسلماً دنیای بهتر بدون هنر دنیای کاملی نخواهد بود.

سزاریا اوورا خواننده مبارز پرتغالی می گوید: من در باره ی سیاست می خوانم. من در باره ی مبارزه برای زندگی بهتر می خوانم.

اوژن پوتیه کارگر و شاعر و یکی از اعضای نخستین کمون پاریس شعری سرود که فراخوان قهرمانان کمون به آیندگان بود و شش ماه بعد از مرگ او، پی یو دوزیسته کارگروآهنگساز این شعر را به سرود پرولتاریا و کارگران و مبارزین جهان بدل کرد.

از تابلوی «سوم ماه مه» گویا تا «گرینکا» پی پیکاسو، از نمایشنامه «آنتیگون» سوفوکل تا «اپیک»

به نام عشق و انسانیت!

دوستان و اعضای حزب کمونیست کارگری! تشکیل کنگره هشتم حزب را به شما شادباش عرض نموده و برایتان در راهی که گام برمیدارید، آرزوی موفقیت دارم. مبارزه با رژیم ضد انسانی حاکم بر ایران بدلیل پیچیدگیهای خاص خودش، مستلزم شیوه های بسیار نوین و خارج از عرف مبارزات کلاسیک گذشته می باشد. برای بوجود آمدن انقلاب مردم و استفاده از قدرت آن برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نقش احزاب آماده سازی بستر مناسب است. تشکیلات، سازماندهی و آموزش فراگیر مردمی چشم اسفندیار رژیم دیکتاتوری می باشد. برای رسیدن به جامعه انسانی بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر، بعنوان آخرین دستاورد حفظ حقوق انسانی افراد، یعنی رسیدن به جامعه ای که در آن اعدام نباشد، زندانی عقیدتی نباشد، قوانین تبعیض آمیز نباشد، دین دخالتی در حکومت و آموزش و پرورش نداشته باشد، همه شهروندان از حقوقی مساوی برخوردار باشند، همه مردم در مسیر رفح موانع توسعه فرصتهای برابر داشته باشند، باید دست به تلاشی خستگی ناپذیر



گزارش اصغر گرمی رئیس هیئت دبیران به ... از صفحه ۱

منهم به سهم خودم به همه شما حاضرین در کنگره، به شما همماتان عزیز و نمایندگان کنگره حزب صمیمانه خوشامد میگویم. طبق معمول کنگره های حزب کمونیست کارگری، رئیس هیئت دبیران حزب یعنی در واقع رئیس هیئت اجرائی حزب گزارش فشرده فعالیت حزب و کادرها و فعالینش را به کنگره ارائه میدهد. طبعاً با توجه به حجم عظیمی از فعالیت که در فاصله دو کنگره انجام میشود، و تنوع و گستردگی آن، اینجا حتی رئیس بسیاری از فعالیت ها را هم نمیتوان بازگو کرد. بویژه اینبار در مقایسه با گزارش سایر کنگره ها گزارش من کمتر شرح فعالیت ها و مقادری بیشتر تحلیلی است.

قبل از اینکه وارد گزارش فعالیت های مختلف حزب شوم و اینکه عرض و طول حزب [حزب] چقدر تغییر کرده و فعالیت های مشخص چه بوده است، باید از نقش و جایگاه سیاسی حزب در جامعه و در میان اپوزیسیون صحبت کرد. جامعه ایران بشدت قطبی است و نیروهای سیاسی دخیل در جامعه ایران خوب همدیگر را میشناسند و یکدیگر را بدقت رصد میکنند. هر حزب و جریانی تلاش میکند تا افق خود را بر جامعه و تحولات سیاسی حاکم کند و اوضاع را آنطور که میخواهد شکل بدهد. در یک نگاه کلی دو آلترناتیو چپ و راست در ایران، آلترناتیو سوسیالیستی از یکطرف و آلترناتیو بورژوازی از طرف دیگر، آزادیخواهی و برابری طلبی از یکطرف و مذهب و ناسیونالیسم و قوم پرستی و سنت ها و فرهنگیات کپک زده از طرف دیگر در جدال بسیار آشکار و هر روزه با هم به سر میبرند. این جدال را حتی در هر کمپینی میتوان دید. شما کمپینی راه میاندازدید، توجه جامعه را به آن جلب میکنید، جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار میدید و نگاه ها را به طرف خود و اهداف و سیاست های انسانی تان جلب میکنید و طرف مقابل میدانند که باید سانسور تان کند، به آلترناتیو سازی در مقابل آن دست بزند، در مقابل شخصیت های شما شخصیت تراشی کند، رسانه

هایش را سراغ این شخصیت های مصنوعی بفرستد، بلندشان کند، برایشان تاریخ جعلی بسازد، و موقعی که موفق به نادیده گرفتن شما نمیشود آنگاه حمله به شما را شروع کند، یک اشتباه کوچک شما را بگیرد و توی بوق کند، شما را مضر به حال کمپینی که خود راه انداخته اید معرفی کند، حتی شما را سانسورچی معرفی کند، اینجا و آنجا تهدیدتان کند و نهایتاً مجبور میشود در پرتو فضائی که شما شکل داده اید، بطور سر و دم بریده ای از مطالبه سیاسی شما دفاع کند. اما ته ماجرا را که نگاه میکنی میبینی مخالفینت هم در میدان تو بازی کرده اند. چون حریت نمیشوند مجبور میشوند حول و حوش همان موضوعاتی حرف بزنند که تو به میان کشیده ای. و این در عین حال جالب است.

حتی جمهوری اسلامی ژورنالیست های غربی را گروگان میگیرد و از دولت آلمان میخواهد فعالیت کادری های حزب کمونیست کارگری را محدود کند و رسانه در اختیار شخصیت هایش قرار ندهد. به برزبل سفر میکنند که رابطه خراب شده به خاطر فعالیت های حزب را مرمت کنند و تاثیر فعالیت ما را کاهش دهند. اما حتی صدا و سیمایشان مجبور میشود گوشه هائی از سخنرانی مینا احدی را در برنامه خبر شب بارها پخش کند تا او را بخاطر دفاعش از یک زن محکوم به سنگسار افشا کند!

زمانی منصور حکمت میگفت تعجب نکنید اگر پشت مجله تایم عکس رهبران حزب را چاپ کنند و بنویسند لنین یا تروتسکی باز میگردد. در دو سال گذشته بویژه در طول کمپین نجات سکینه این اتفاق به درجات و در اشکال معینی به وفور افتاده است.

رفقا حزب دارد به چنین موقعیت هائی پا میگذارد. به درجاتی پا گذاشته است. این کنگره باید این موقعیت را بخوبی تشخیص دهد و انتظار از خود و کادرها و فعالینش را بر این اساس تعریف کند. با این مقدمه اجازه بدهید سراغ برخی از فعالیت ها برویم.

کانال جدید:

بعد از وقته ای که بدلیل پارازیت های جمهوری اسلامی و قطع برنامه های ما توسط کمپانی ها بوجود آمد، از برنامه های 24 ساعته محروم شد. چند ماه از طریق نایل سات و سپس از یک سال و نیم قبل با روزی دو ساعت و در مقاطعی سه ساعت برنامه در روز در ماهواره هاتبرد دایر بوده است. بینندگان آنرا بویژه خانواده های کارگری تشکیل میدهند. کانال جدید کانال پخش اخبار اعتراضات مردم، کمپین ها و فراخوان ها، تحلیل وقایع مهم ایران و منطقه و دنیا، با برنامه های ویژه ای در مورد زندانیان سیاسی، کارگران، زنان، جوانان، کودکان، اعدام و مباحث پایه و سوسیالیستی و مارکسیستی است. کانال جدید بشدت ضد مذهب و ضد سرمایه داری است و از خلال برنامه های مختلف لایو و غیر لایو اشاعه دهنده دیدگاه سوسیالیستی و حزبی است. این مهمترین کانال ارتباط بین ما و جامعه و مشخصاً جنبش کارگری است. از این طریق مبلغین سوسیالیست زیادی شکل داده ایم، مردم را به نیروی خودشان آگاه میکنیم و به آنها امید میدهیم، به مطالبات روشن مجهزشان میکنیم و تمایز خود با سایر جریانات اپوزیسیون را در زمینه های مختلف به درک آنها تبدیل میکنیم. کانال جدید توسط رفقا جمیل فرزنان، مرتضی فاتح و کیوان جاوید که مدیر کانال جدید است هدایت میشود و البته با همکاری فنی سیامک طهماسب پور. در حال حاضر دو استودیو داریم که هر دو از نظر امکانات و پرسنل فنی و کادر برنامه ساز خود کفا هستند و ادامه کاری را تضمین میکنند.

تشکیلات داخل حزب:

در گزارش به یکی از پلنوم ها اشاره کردم که در شرایطی که یک حکومت سرکوبگر سر کار است، بسیار دشوار است عرض و طول تشکیلات داخل را تشخیص داد. در کانال جدید میتوان شکل گیری یک حزب توده ای را مشاهده کرد. کمونیست های دو آتشه ای که در مورد اعدام، مذهب، مساله زن، سرمایه داری و سوسیالیسم نظر

روشنی دارند. اینها بخشی از تشکیلات ما هستند که بخش زیادی از آنها شرایط را برای تماس رسمی با کمیته سازمانده مناسب ندیده اند. دامنه این حزب به معنی عام را میتوان از روستاهای کرمان و شیراز تا شهرهای تهران و خوزستان و کردستان و شمال کشور همه جا شاهد بود. تشکیلات حزب در داخل عبارت است از تعداد زیادی محفل و جمع و شبکه و کمونیست های دو آتشه ای که در عرصه های مختلف با بافتی بسیار اجتماعی و اساساً کارگری مشغول فعالیتند.

تشکیلات داخل به معنی اخص کلمه در این دوره در تهران و شهرهای دیگر و همینطور در کردستان، قوام بیشتری گرفته است. تعداد کادری های رسمی تقریباً دو برابر شده و تحول کیفی قابل توجهی در تشکیلات داخل بوجود آمده است. رفقای ما در محیط فعالیت خود نفوذشان افزایش یافته و قابلیت رهبری حرکت های اعتراضی توسط آنها بالا رفته است. پختگی، جافتادگی، تسلط بیشتر به فعالیت های توده ای را بر احوالی میتوان در تعداد قابل توجهی از رفقای داخل مشاهده کرد. این پیشروی در عین حال خود را در بهبود فعالیت حزبی و رشد شبکه های آنها نشان میدهد. محافل آموزشی و کار عمقی تر جای بیشتری باز کرده است و برای دور آتی فعالیت رفقا دارند آمادگی بیشتری در میان خود ایجاد میکنند.

روابط ما اما منحصر به اعضا

و فعالین حزب نیست. فعالینی در زمینه های مختلف از محیط های کارگری یا بازنشستگان، معلمان، زنان و غیره تماس میگیرند، رهنمودهای حزب و کانال جدید و مسئولین تشکیلات داخل را میگیرند، گزارش میدهند، خود را نزدیک میدانند، اعتماد میکنند و سیاست های حزب را پیش میبرند. در مورد داخل بدلیل امنیت حرف زیادی نمیتوان زد ولی یک جمله شاید کل تصویر را برساند و آن اینکه اگر رفقای داخل مشکل امنیت، ویزا و مالی نداشتند تعداد نمایندگان کنگره میتوانست دو برابر این باشد.

یک کمیته پنج نفره شامل بهروز بهاری، مرتضی فاتح، رضا فتحی، عبدل گلپریان، با دبیری شهلا دانشفر در راس تشکیلات داخل حزب هستند.

در مورد کمیته کردستان که توسط یک هیئت اجرائی ۵ نفره شامل پدی محمودی، آوات فرخی، عبدل گلپریان، رضا فتحی، با دبیری محمد آسنگران هدایت میشود چند اقدام و پروژه در دستور است: علیه ناسیونالیسم فعالیت تعرضی و همه جانبه ای سازمان داده شود. دوم، نیروی بیشتری وجود دارد که باید برایش برنامه ریزی شود و سوم و بر این اساس نشریه ایسکرا هم تغییر کند. بنظر من این اقدامات گام ها کار ما را جلو میبرد. برنامه تلویزیونی ایسکرا در کانال جدید یکی دیگر از فعالیت های کمیته کردستان است که از این طریق

گزارش رئیس هیئت دبیران به ...

از صفحه ۸

ارتباطات قابل توجهی از شهرهای کردستان به حزب وصل شده اند. و بالاخره اینکه از نظر اوضاع سیاسی امروز همه شواهد نشان میدهد که فضای آماده تری بوجود آمده است و از ما ابتکار، دخالت، طرح و پروژه و نقشه میخواید. در دور آتی باید سریعاً دست به کار تحولی در این عرصه از فعالیت بشویم.

جوانان:

سازمان جوانان که دبیری آنرا کیان آذر بعهده دارد در این دوره سبک فعالیتش را تغییر داده و شروع به جذب جوانان بیشتری کرده است. دخالت دادن جوانان در هدایت این سازمان و به عهده گرفتن فعالیت های مختلف آن یک وجه این تغییر و کالج آموزشی برای ارتقاء سیاسی نظری فعالین آن وجه دیگر تغییراتی است که سازمان جوانان انجام داده و با استقبال خوبی مواجه شده است. این سازمان همچنین برنامه تلویزیونی دارد، نشریه انگلیسی راه انداخته و فعالیت قابل توجهی در مدیای اجتماعی دارد. این یک پیشروی اولیه است که باید قوام یابد تا به نتایج عملی در داخل کشور منجر شود و جای خود را در داخل و مشخصاً دانشگاهها محکم کند.

نشریات

انترناسیونال، کارگر کمونیست، جوانان کمونیست، ایسکرا و کمونیسم کارگری نشریات حزبی هستند. چندین نشریه نیز به همت کادرهای حزب در زمینه های مختلف منتشر میشود.

انترناسیونال به سردبیری کاظم نیکخواه و هفتگی منتشر میشود. جریانات مختلف راست را منظمآ افشا میکند، هر هفته مطالبی در نقد گرایشات و احزاب سیاسی بورژوازی دارد، اوضاع سیاسی ایران و مهمترین رویدادهای ایران و جهان همراه با یک جهتگیری روشنی در آن منعکس میشود و حزب و فعالیتهای حزب را به خوبی نمایندگی و منعکس میکند. انترناسیونال از نظر فرم هم مطالبش کوتاه تر و جذاب تر شده و تعداد مصاحبه هایش نیز بتدریج بیشتر شده است.

کارگر کمونیست نشریه هفتگی به سردبیری فاتح بهرامی است که بطور اخص به مبارزات و مسائل کارگری اختصاص دارد. این نشریه به

و سیاوش آذری هم به ترجمه های انگلیسی کمک میکنند.

علیه ناسیونالیسم آذری

در این دوره فعالیت هدفمندی علیه تحركات قوم پرستان در آذربایجان شروع کردیم که علیرغم اینکه کل فعالیت به دو سه جلسه پالتاکی، چند نوشته و مصاحبه و پیگیری قتل رافت تقی در پارلمان اروپا محدود بوده است، اما همین حد از کار نشان داد که چه زمینه مساعدی برای فعالیت وجود دارد. محسن ابراهیمی، ابوالقاسم کردار و مینا احدی با همکاری تعداد دیگری از رفقا در این زمینه فعالیت را شروع کرده اند و بخاطر همین فعالیت ها شاهد تغییر لحن و برخورد برخی از قوم پرستان بوده ایم. باید پرچم کمونیسم و آزادیخواهی را در مقابل ناسیونالیسم ترک و قوم پرستان آذری بلند کنیم و حول آن نیرو جمع کنیم. همینجا لازم است به فعالیت در دفاع از افغانی های مقیم ایران نیز اشاره کنیم که بخاطر دفاع سرسختانه ما از حقوق این بخش از جامعه، از موقعیت خوبی در میان افغانی ها برخوردار هستیم. فعالیتی که باید هدفمند و سازمان یافته به پیش برده شود.

فعالیت های کمینی حزب و کادرها و نهادهای نزدیک به حزب:

بخش قابل توجهی از فعالیت حزب در خارج کشور از طریق کمپین هائی پیش میرود که مستقیماً حزبی نیستند اما حزب نیروی مهم و سازمان یافته اکثر این کمپین ها است. یک نکته مهم در خارج را باید یادآور شوم و آن اینکه برخی واحدها کارهای درخشانی کردند، بعضاً کار همه جانبه ای از آموزش و پاتوق تا جلسات منظم و آکسیون و غیره را به پیش برده اند و رشد قابل توجهی از لحاظ عضوگیری، افزایش کادر و ارتقاء سیاسی اعضا و کادرها داشته اند که مالمو از بهترین هایش بوده است و بعضاً مدام مشغول سازماندهی آکسیون و جلسات بیرونی بوده اند و بعضاً مانند فرانکفورت و اسلو لندن و کانادا و هلند و دیگر شهرهای سوئد و آلمان حضور سیاسی فعالی داشته اند.

زمینه برای پیشروی ما زیاد است اما تماماً به نوع کار ما، به میزان اجتماعی کار کردن، به داشتن امکاناتی مانند کمیته های حزبی

قبراق، مکان های ثابت، ابزارهای تبلیغی و غیره بستگی دارد. در ضمن هیئت اجرایی کمیته خارج علاوه بر خود من رفقا خلیل کیوان، نازی برومند، شهلا دانشفر، حسن صالحی و سیامک بهاری هستند.

کمپین های سیاسی ما بخشا توسط کانال جدید و واحدهای حزب انجام میشود و بخش اعظم آنها توسط نهادهای مختلفی که در راس آنها کادری حزب قرار دارند. علیه اعدام و سنگسار، دفاع از زندانیان سیاسی و کارگران زندانی، دفاع از حقوق پناهندگان ایرانی، دفاع از حقوق کودکان، حقوق زنان، و علیه اسلام سیاسی. تک تک این نهادها در دو سال گذشته اعتبار و نفوذ بیشتری یافته اند و امکانات بیشتری برای تداوم فعالیت حول خود گرد آورده اند. ظاهراً تا زمانی که جمهوری اسلامی سر کار است این عرصه ها باید همچنان فعال باشند. یک نقطه قوت مهم ما این است که در همه این زمینه ها همینطور شخصیت های شناخته شده ای داریم که در راس این نهادها فعالیت میکنند. این یک وجه تمایز مهم ما با همه اپوزیسیون جمهوری اسلامی هم هست.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی که مسئولین آن شیوا محبویی و ابوالقاسم کردار هستند، در فاصله دو کنگره و به یمن فعالیت های قابل توجه در این عرصه، به یک کمیته شناخته شده تبدیل شد و امروز میتوان از یک نهاد معتبر در این عرصه که مورد رجوع جریانات مختلفی است صحبت کرد. ابتکارات جالب نظیر پروژه من صدای او هستم، پروژه ۲۰ جون ۲۰۱۱ و آکسیون سراسری در بیش از ۴۰ شهر بعلاوه یک فیس بک سازمان یافته و فعال و همکاری دهها نفر با تفکرات مختلف از جمله ویژگی های این کمپین است. همینطور کمپین برای آزادی کارگران زندانی که مسئولین آن شهلا دانشفر و بهرام سروش هستند، صدای کارگران ایران و کارگران زندانی بوده و از جمله هر سال با حضور در کنفرانس سازمان جهانی کار ماهیت نمایندگان اعزامی از طرف جمهوری اسلامی را از بدو شروع این کنفرانس به بقیه معرفی میکند. آکسیون سراسری ۵ نوامبر یک کار خوب این کمیته بود.

این عرصه ها از زمینه رشد بسیاری برخوردار است و باید توجه کافی به آنها مبذول شود.

در زمینه دفاع از حقوق پناهندگان نیز فعالیت های مهمی در این فاصله صورت گرفته است. عبدالله اسدی دبیر بزرگترین و شناخته شده ترین سازمان دفاع از حقوق پناهندگان است که در همین فاصله دهها نفر را از دیپورت نجات داده است. تنها در سال ۲۰۱۱ جلو اخراج ۱۷ نفر از سوئد گرفته شد که فدراسیون نقشی محوری داشت. در کشورهای دیگر هم کم نیستند پناهندگانی که به کمک فدراسیون اجازه اقامت میگیرند. فدراسیون محل رجوع بیشترین تعداد پناهندگان از ترکیه، کشورهای اروپائی و برخی کشورهای دیگر است. بعد از انقلاب ۸۸ مراجعات بسیار بیشتر شده و نیاز به گسترش واحدهای فدراسیون از هر زمان بیشتر است.

در زمینه دفاع از حقوق کودکان، نهاد کودکان مقدمند که افسانه وحدت، کریم شامحمدی و سیامک بهاری مسئولین آن هستند، فعالیت قابل توجهی دارد. صاحب نشریه و برنامه تلویزیونی است، و از طریق سمینار و تماس با خانواده کودکان زندانی و مراجعه به نهادهای بین المللی فعالیت هایش را به پیش میبرد. فرهنگ سازی به نفع کودکان یک وجه مهم فعالیت این نهاد است. کمپین های متعددی علیه تنبیه، زندانی کردن و اعدام کودکان، علیه تحمیل حجاب و مذهب به کودکان و دفاع از نیم میلیون کودک افغانی در ایران داشته است و بیانیه ای در دفاع از حقوق کودکان منتشر کرده است. یک نقطه مثبت برخی از این نهادها این است که از بیرون حزب نیروی خوبی برای تداوم و گسترش فعالیت خود ایجاد کرده اند، سبکی که باید به سبک همه نهادهای ما تبدیل شود. این شاید مهمترین معیار در ارزیابی هر فعالیت توده ای و غیر حزبی است.

در زمینه دفاع از حقوق زنان:

در این زمینه برنامه تلویزیونی مهین علیپور را داریم، از نظر





بگیرد. رابطه دولت برزیل با جمهوری اسلامی تحت تاثیر این کمپین قرار گرفت و موضوع گیری در مورد جمهوری اسلامی و نجات سکینه به موضوع داغ کاندیداهای ریاست جمهوری در این کشور تبدیل شد.

ما همچنین نقش بسزائی در تبدیل فرزند کمانگر به یک چهره بین المللی داشتیم، در فعالیت علیه اعدام شهلا جاهد نیز همینطور و یکی از کلیپ های کمیته علیه اعدام در این کمپین را بیش از ۲ میلیون نفر دیده اند.

جمهوری اسلامی در همین هفته های گذشته تحت فشارهای بین المللی سن قضایی و جزایی کودکان را اعم از دختر و پسر هیجده سال تمام پذیرفت هرچند تا بتواند با تبصره های مختلف کودکان را زندانی و اعدام میکند اما همین حد از مساله نیز یک عقب نشینی جمهوری اسلامی است و نهاد کودکان مقدماتی و کمیته علیه اعدام یک پای تحمیل این عقب نشینی بوده اند.

نقطه ضعف ما این است که عملاً کمیته علیه اعدام که دو سال قبل درست شد و نقش مهمی در پیشبرد این فعالیت ها داشت قوام نگرفت و سازمان قابل اتکایی شکل نگرفت. این عرصه ای است با پتانسیل بسیار بالا که باید بلافاصله سازمانی متناسب با اهمیت آن ایجاد شود.

علیه اسلام سیاسی

در کنگره های قبل از کارهای ارزشمند حزب و کادرهایش در این زمینه و موفقیت های متعددی در کشورهای مختلف از جمله از لغو قانون شریعه در کانادا صحبت کرده ایم. در این کنگره میخوام بگویم که اکنون در سطح بین المللی جبهه نبرد قدرتمندی علیه جنبش اسلامی و یک قطب سیاسی شکل داده ایم که در آینده فعالیت ما بسیار مهم است. با این فعالیت ها که در کشورهای مختلف انجام میشود و در خط مقدم آن مریم نمازی و مینا احدی قرار دارند، فضای سکولارها و آنتیست ها را سیاسی تر کرده ایم، به آنها پلاتنفرم داده ایم و آنها را به خیابان آورده ایم. دقیقاً همانطور که در ایران قطب چپی با مشخصات روشن و مهم ایجاد کرده ایم در سطح بین المللی هم تولید کننده فرهنگ و سیاست جدیدی هستیم، شخصیت های مهمی را در جبهه خود جمع

گزارش رئیس هیئت دبیران به ... از صفحه ۹

میلیون لینک، بسیج هنرمندان، نهادها، شخصیت های شناخته شده جهانی، گوشه هایی از این کمپین عظیم بود.

این کمپین نشان داد که با یک نیروی نه چندان زیاد میتوان کارهای بزرگی در دنیا سازمان داد. نشان داد که برای این کارها هم شخصیت و رهبری با عطرش بالا لازم است هم سازمان و سازماندهی خوب.

- این کمپین موقعیت ما را در مقابل جنبشهای ملی اسلامی و راست و حقوق بشری ها تقویت کرد.

- جمهوری اسلامی در میان مردم دنیا منفورتر شد. دولت ها را وادار کردیم خواست لغو سنگسار را به موضوع فشار سیاسی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنند. روابط دیپلماتیک دولت ها با جمهوری اسلامی بعضاً تنزل یافت، مقامات رژیم به تناقض گوئی افتادند و بیشتر رسوا شدند. سیستم قضائی اسلامی، بیحقوقی زن و قوانین اسلامی و سبعیت حکومت اسلامی و همینطور ماهیت واقعی اسلام سیاسی به مردم دنیا نشان داده شد.

- کارائی کمونیست ها در سازماندهی چنین کمپین هائی و همینطور این مساله که حزب این ظرفیت و درایت را دارد که با حفظ رادیکالیسمش پارلمانها، رسانه ها و غیره را پشت حرکت خود بسیج کند، از نتایج دیگر این کمپین بود.

- یکی از ارکان هویتی بحث مبنائی کمونیسم کارگری این است که تئوری از طریق آموزش توده گیر نمیشود بلکه تئوری از طریق سیاسی توده گیر میشود، از طریق بلند کردن پرچم های سیاسی و انتخاب آن توسط مردم و از این طریق میتوان آلترناتیو سیاسی را به جلو برد. این کمپین نمونه عملی و موفق این دیدگاه بود.

- دنیایی که چند دهه با دهان باز و با کمی بی تفاوتی سنگسار را نظاره کرده و تحت تاثیر تبلیغات ناشی از منافع دول غربی از جمله نسبیت فرهنگی به آن برخورد کرده بود، با کمپین نجات سکینه پلاتنفرم و امکانی یافت که با آن تعیین تکلیف کند. بلند شد و مهر پایانی بر سنگسار گذاشت.

- این دستاورد به تاریخ بشری در دفاع از حقوق و حرمت انسانی پیوست که کسی نمیتواند آنرا پس

سیاسی نیز خط رادیکال و سرنگونی طلبی را در مقابل گرایشات دیگر به پیش میبریم، ولی از شاهکار و حتی پیشرفت محسوسی نمیتوانیم صحبت کنیم. فعالیت های گاه و بیگاه خوب و مهمی داشته ایم، گاهای کلیپ هائی که هزاران نفر از آن استقبال کرده اند، یا در کانال جدید که این مساله یک عرصه دائمی تبلیغات ما بوده و تاثیرات خوبی در سطح جامعه گذاشته ایم اما مشغول کار موثر و جدی ای در این زمینه نیستیم و این یک خلاء مهم در فعالیت های حزب است. در این مورد در رهبری حزب بحث هم شده است اما اقدامی صورت نگرفته است. نشریه علیه تبعیض همانطور که اشاره کردم مهمترین اقدام تازه ما در این زمینه بوده است.

در زمینه همبستگی جهانی با مردم ایران نیز نهاد "ایران سولیداریتی" که سخنگوئی آنرا پتی دبونیتاس بعهده دارد، در لندن، تورنتو و برزیل فعالیت های خوبی سازمان داده است.

در زمینه مبارزه علیه اعدام:

در کنگره ششم حزب از این عرصه بعنوان شاهکار حزب صحبت کردیم. در کنگره هفتم گفتیم که در فاصله بین آن دو کنگره، خواست لغو مجازات اعدام در ایران به یک خواست عمومی و توده ای تبدیل شد و این بزرگترین کمپین سیاسی حزب بوده است و اینبار باید بگوئیم که عملاً سنگسار را لغو کردیم، در زمینه اعدام و مجازات کودکان عقب نشینی هائی به رژیم تحمیل کردیم و اقدامات مهم دیگری انجام دادیم.

کمپین نجات سکینه آشتیانی که توسط کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار و با همکاری فشرده حزب و چند نهاد دیگر با سخنگوئی مینا احدی سازمان داده شد، یکی از بزرگترین مصاف های اپوزیسیون با جمهوری اسلامی و بزرگترین کمپین سیاسی علیه سنگسار و اعدام بوده است.

من خیلی فشرده چند نکته را اینجا توضیح میدهم:

تظاهرات همزمان در ۱۱۰ شهر و صدها آکسیون دیگر، صدها مصاحبه با مشهورترین رسانه های دنیا، میلیون ها امضا، بیش از یک

۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر در ماه سر میزنند. سانسور رفقای ما اولین کاری است که رسانه های رسمی و دولتی میکنند اما نیاز جامعه و مطرح بودن ما کار آنها را خنثی میکند. دعوت به پانل های مختلف و بحث و مناظره و دهها سخنرانی و تظاهرات و غیره باعث شده است که سانسور بدرجات زیادی بی اثر شود. در آلمان نیز فعالیت های مشابهی به پیش برده ایم و یک طرف اصلی دعوا با اسلامی ها بوده ایم. علیه آموزش امام و تدریس مذهب و حجاب کودکان و علیه امتیازات دولت آلمان به اسلامی ها فعالیت وسیع، هرروزه و موثری داشته ایم و امکانات خوبی برای ادامه فعالیت ایجاد کرده ایم. در سوئد و هلند نیز اقدامات خوبی در این زمینه انجام شده است.

ما اکنون در موقعیتی هستیم که این جنبش و این قطب را به پلاتنفرم اثباتی روشنی نیز مجهز کنیم و یک گام دیگر در جهت سازماندهی این قطب به پیش برداریم و هویت روشن تر و اثباتی تری به آن بدهیم.

قبل از این که گزارش را جمعبندی کنم یک نکته قابل توجه را لازم است تاکید کنم. نقطه قوت ما و یک دلیل مهم پیشروی ما برنامه روشن ما، اهداف انسانی ما و انسجام تبیینی ما و جهتگیری های سیاسی است و یک مشاهده قابل توجه دیگر اینکه امروز بیش از هر زمان میتوان به پختگی در صفوف حزب اشاره کرد. در دو سال گذشته تعمق بیشتری در سطوح مختلف حزب چه در سطح رهبری و چه در بدنه کادرها، هم در زمینه سیاسی و هم درک از حزبیت و اهمیت تحزب کمونیستی هم در داخل و هم در خارج میتوان مشاهده کرد که مایه

کرده ایم و دیگر، شخصیت های داستان فقط دول غربی و طرفداران نسبیت فرهنگی، اسلامی ها و یا چپ به اصطلاح ضد امپریالیست نیستند. محور کار ما دفاع از حقوق جهانشمول همه مردم، ضرورت مقابله با مذهب و مقابله با جنبش اسلام سیاسی در ایران و در همه جا و بدین طریق نمایندگی مردم ایران و سایر کشورهای اسلام زده، و نه تنها دفاع بلکه احیای ارزش هائی که در غرب بدلیل دهها سال سلطه راست زیر سوال رفته بود. ما داریم بالاترین دستاوردهای مردم در قرن بیست را احیا میکنیم و البته بسیار رادیکال تر و انسانی تر. ای سی گریلینگ، فیلسوفی که با مریم نمازی همکاری نزدیک دارد میگوید "اگر شما نبودید باید شما را اختراع میکردیم". ما به نیاز تاریخی چپ و سکولاریسم در غرب داریم جواب میدهیم و بویژه چون در مقابل اسلام سیاسی تحلیل روشن، پلاتنفرم اثباتی رادیکال و نقد عمیق، شخصیت های شناخته شده و برخورد شجاعانه ای داریم، موفق بوده ایم. کار ما همزمان علیه راست افراطی، راسیسم اروپائی و نسبیت فرهنگی هم هست. یعنی کاملاً از موضعی رادیکال و انساندوستانه که به جنبش های راست دیگر راه نمیدهد. دقیقاً به خاطر منحصراً به فرد بودن ما است که مورد استقبال قرار گرفته ایم. در انگلیس "قانون برابر برای همه" اکنون یک نهاد شناخته شده و بسیار معتبر است که امثال داوکینز از همکاران فعال آن هستند. با این فعالیت ها لایحه ای برای ممنوع کردن قوانین شریعه به پارلمان انگلیس رفته است. برای روشن شدن ابعاد تاثیرگذاری ما، کلیپ سخنرانی مریم در جلسه تشکیل شعبه اکس مسلم را

۲۰۰۰۰۰ نفر دیده اند و به بلاگش که حاوی مطالب و کامنت های هرروزه بر سر مسائل مختلف است بین



سخنان آقار محمد اف بنیانگذار سازمان آنتیسم و اومانسیم نوین آذربایجان در کنگره حزب

با سلام به حاضرین

من اینجا سکولاریسم و آنتیسم آذربایجان را نمایندگی میکنم. میدانم کارتان زیاد و وقتتان کم است و از وقتی که به من دادید عمیقا تشکر میکنم.

میدانید که چند ماه پیش رافق تقی نویسنده آنتیست، توسط تروریست های اسلامی و با فتوای آیت اله های ایران، آیت اله لنگرانی به قتل رسید. بعد از آن از طرف همان جنایتکاران نامه تبریکی فرستاده شد که ما او را کشتیم. دین زمانی افیون بود ولی امروز بسم و کلاشینکوف و چاقو است. خیلی کوتاه اینجا سعی میکنم تصویری از وضعیت در آذربایجان به شما بدهم. در آذربایجان در اعتراض به اصطلاح به شوروی طرفداران دین خود را دارند ظاهر میکنند. مردمی که ساده هستند به یک نحوی توسط جریانات اسلامی تحریک میشوند و زهر و سمی که در این دین هست را نمی بینند و حکومت اسلامی ایران از این مساله استفاده میکنند. کتاب های دینی

وسیعا در آذربایجان پخش میشود و حکومت اسلامی ایران از این طریق جنبش خود را مسلح میکنند. ناراداران در آذربایجان در حقیقت زیر تسلط و نفوذ این جریانات اسلامی است و حکومت آذربایجان در این منطقه با تروریست های اسلامی روبرو است. بعد از کشته شدن رافق تقی ما بیانیه ای منتشر کردیم و این حرکت را شدیداً محکوم کردیم. از کمکی که مینا احدی به ما کرد هم عمیقا تشکر میکنیم. چیزی که خیلی ترسناک است این است که جریاناتی که خود را دمکرات معرفی میکنند، به یک معنی به جریانات مذهبی برای

قرارد:

کنگره هشتم حزب تحرك و فعالیت های نیروهای تروریستی در آذربایجان را که با پشتیبانی و یا توسط جمهوری اسلامی صورت میگیرد قویا محکوم میکند و از جنبش سکولاریستی و آزادیخواهانه در این کشور فعالانه حمایت میکند.

این شرایط فراخوان ویژه ای به همه ما است، انتظار و توقع تازه ای از همه ما است، علیرغم همه ضعف ها و ایراداتی که البته اراده تغییرش را داریم، باید به نقش خودمان، از موضع گیری مان در قبال انقلاب ۸۸ تا تک تک سیاست ها و مواضعمان و به تاریخ خودمان و حزب مان با تمام وجود افتخار کنیم و خود را برای گامهای تعیین کننده بعدی آماده سازیم.

کثیفی مانند بی بی سی و غیره بود. نماینده فشار مردم به دولت های غربی بخاطر مماشات با حکومت بود. حزب ما به خاطر همه اینها یک سرمایه سیاسی و انسانی بزرگ برای ایفای نقش در این دوره است. دوره ای که در سطح جهان و منطقه و ایران هیچگاه فضا اینچنین به نفع چپ و انقلاب و کمونیسم نبوده و هیچگاه ضرورت حزب اینچنین برای جامعه روشن نبوده است.

کارخانه و دانشگاهی وجود دانشی دارد.

این چکیده موفقیت امروز حزب کمونیست کارگری و در مقیاسی وسیعتر موفقیت جنبش کمونیسم کارگری در صحنه ایران است که فشار روی راست را حفظ کرده است.

رفقا،

این موفقیت و این پیشروی بدون وجود تعداد زیادی از شما کادرها و اعضا و فعالین حزب کمونیست کارگری حاصل نمیشد. من اینجا میخواهم از صدها نفری بگویم که چه در رهبری حزب و در بدنه تشکیلات، در داخل کشور یا خارج کشور در فاصله این دو سال و سال های قبل از آن بخش اعظم وقت و زندگی شان را صرف این پیشروی ها کرده اند. کم نیستند رفقای که بطور متوسط، روزانه بین ۱۰ تا ۱۵ ساعت ضربدر تعداد روزهای بین این دو کنگره برای تحقق این اهداف وقت گذاشته اند، در خیابان بوده اند و پیکت و میتینگ و تظاهرات سازمان داده اند، قطعنامه و اعلامیه نوشته اند یا آنها را پخش کرده اند یا شعار نوشته اند، مردم کارخانه و محل را به مقابله با رژیم بسیج کرده اند، یا مشغول تامین مالی حزب بوده اند، یا روی خط کانال جدید حرفشان را زده اند و یا پشت کامپیوتر و اطاق ضبط و غیره و بخشا زیر تیغ جمهوری اسلامی اهداف حزب را به پیش برده اند.

رفقا،

شما کار مهمی در این دوره انجام داده اید. طول و عرض این فعالیت ها منظوم نیست هرچند طول و عرض بدی هم نداشته است و هیچ اپوزیسیونی در مقایسه با حزب اینهمه تحرك و اینهمه تاثیر نداشته است. اما در هر دوره شاخصهای موفقیت متفاوت است. حزب کمونیست کارگری در این دوره نماینده وجدان بیدار بشریت بود. سخنگوی کارگران و جوانان مصر و تونس بود، نماینده زنان گمنام و کودکان زیر اعدام بود، نماینده زندانی سیاسی با هر تفکری بود، نماینده زنان و جوانان بود، نماینده طبقه کارگر و مبارزانش بود، نماینده نده قاطع به اسلام و عقب ماندگی و حکومت کثیف اسلامی بود. افشاگر حامیان این حکومت در داخل و خارج ایران، و رسانه های

گزارش رئیس هیئت دبیران به ...

از صفحه ۱۰

و مولفه دوم عمومی تر و به موقعیت ما در کل جامعه و در اپوزیسیون مربوط میشود. امروز جنبش کمونیسم کارگری يك نیروی معتبر و با ویژگی های شناخته شده ای در جامعه ایران است. کمونیسم نوع ما، یک کمونیسم انسانی است که با مشخصات جا افتاده و معرفه ای در جامعه شناخته میشود، مطالباتی را جا انداخته و توقعاتی را ایجاد کرده است، ضدیت عمیقی با مذهب و هر نوع افکار و سنتهای پوسیده مذهبی و ضدن و عقب مانده دارد، از برابری اقتصادی و اجتماعی عمیق حرف میزند، علیه اعدام و مدافع پر و پا قرص آزادی بیان و عقیده و اعتصاب است، مدافع بیچون و چرای حقوق برابر زن و مرد و علیه حجاب تحمیلی است، مدافع حقوق و حرمت کودک است و شما با هر کس در این زمینه ها صحبت کنید، به احتمال زیاد مخاطبتان اگر کمی با مسائل سیاسی آشنا باشد میگوید شما کانال جدیدی یا حزب کمونیست کارگری هستید. این پیشروی ها در عین حال به مردم کمک میکنند که احزاب دیگر را با همین معیارها بسنجند و این يك پیشرفت عظیم است که ایران را با مصر و تونس و آمریکا و هر جای دیگری متمایز کرده است. از نظر فرهنگ سیاسی نیز چنان علنیت و شفافیت ایجاد کرده ایم که هر کس پشت درهای بسته بخواهد آلترناتیو سازی کند، در همان ساعت اول کارش بعنوان توطئه علیه مردم افشا و محکوم میشود. اینها يك پدیده عینی و قابل رویت در جامعه ایران است، تاریخی دارد، حزبی دارد، شخصیت هائی دارد. این کمونیسم بسیار فراتر از حزب است شامل صدها محفل کمونیستی و هزاران کمونیست در کارخانه ها و دانشگاهها، در جنبش آزادی زن و در همه نقاط جامعه کسانی است که این پرچم را نمایندگی میکنند و البته هنوز اکثرشان هم عضو حزب نیستند. حزب به معنی عام کلمه این نیرو با این مشخصات است. این يك جنبش وسیع است که در جدالی همه روزه با جنبش های ملی اسلامی و جنبش ناسیونالیستی طرفدار دول غربی و ناسیونالیسم کرد و آذری و غیره است. پرچم ما و این جدال در هر اعتراضی و در هر تجمع و در هر

استحکام بیشتر حزب است و تحولی که در میان رفقای که هشت سال قبل صفوف ما را ترک کردند شروع شده است نیز نشان دهنده حقانیت عمیق ما در همین زمینه است.

به عنوان يك جمعبدی اینجا به دو مولفه اشاره میکنم. مولفه اول به جنبش کارگری مربوط میشود. امروز جامعه ایران صف گسترده ای از رهبران کارگری را کم و بیش میشناسد که اکثرا بارها به زندان افتاده اند، در ایران و در سطح بین المللی برای آزادی شان کمپین شده، موقع آزادی از زندان با حلقه های گل از آنها استقبال شده و اسم و رسم و عکسشان برای بخشی از جامعه آشنا شده است. این يك دستاورد مهم جامعه ایران و بطور مشخص طبقه کارگر است. در سی سال گذشته هیچگاه اینچنین جنبش کارگری هویت و چهره نداشته است. اعتصابات در مراکز مهم صنعتی به شیوه مدرنی انجام میشود، مطالبات روشن و صریح مطرح میشود، به مجمع عمومی اتکا میکند، التیماتوم میدهد، بعضا همسران کارگران در تجمعات کارگران اعتصابی شرکت میکنند، اخبارشان لحظه به لحظه منتشر میشود، قطعنامه هایشان پلاتفرم رهایی کل جامعه را بلند میکند و دقیقا به همین دلیل موفقیت ویژه ای در جامعه یافته است. این يك وزنه مهم چپ و سوسیالیستی در جامعه است. حزب کمونیست کارگری در باز کردن راه برای این سبک از فعالیت، به میدان آمدن رهبران کارگری و این شیوه از اعتصابات، بلند کردن مطالبات روشن و رادیکال و این تلقی از جنبش کارگری پیشقدم بوده، نقش تعیین کننده ای داشته و با سنت های عقب مانده و غیر سیاسی و غیر کمونیستی در میان چپ و حتی در جنبش کارگری جنگیده است و این امروز به يك نرم جنبش کارگری تبدیل شده است. جنبش کارگری هر جا در ایران به میدان میاید پرچم کل جامعه را بلند میکند و کمونیسم کارگری گرایش اصلی در بخش پیشرو و رهبران طبقه کارگر ایران است. هیچ انسان منصفی نمیتواند نقش حزب را در این زمینه نادیده بگیرد. این ویژگی مهم جامعه ایران است که با مصر و تونس و غیره تفاوت آشکاری دارد.

قطعنامه درباره

خصوصیات دولت برآمده از انقلاب

۲- لغو مجازات اعدام

۳- انحلال فوری نیروهای سرکوبگر دولتی نظیر سپاه و بسیج و ارتش و انحلال وزارت اطلاعات و دیگر دستگاههای امنیتی حکومت

۴- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

۵- لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان. لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. ممنوعیت کامل هر گونه خشونت علیه زنان. اعلام برابری کامل زن و مرد در همه زمینه ها

۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۷- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، ملیت و تابعیت

۹- تضمین فوری میرم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش

۱۰- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند

ب- دخیل کردن فوری توده مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خویش و وظیفه اساسی دیگر دولت برآمده از انقلاب کمک و تسهیل سازماندهی ارگانهای اعمال اراده مستقیم مردم (شوراها و یا دیگر تشکلهای توده ای) است. (مستقل از اینکه این ارگانها در روند انقلاب در چه سطحی شکل گرفته باشند و یا اصلا تشکیل نشده باشند). توده مردمی که در روند انقلاب فعال شده

با توجه به اینکه

۱- مدتهاست سرنوختی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم در چشم انداز جامعه قرار گرفته است.

۲- هدف و مضمون انقلاب در ایران نیز مانند انقلابات دیگر در منطقه تامین آزادی و برابری و رفاه برای همه مردم است.

۳- پیروزی نهائی انقلاب در ایران، و در منطقه، در گرو خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی است. بحران جهانی و مزمن سرمایه داری جهان یکبار دیگر بر این واقعیت تاکید میکند که تنها سوسیالیسم و یک نظام سوسیالیستی میتواند آزادی و رفاه و برابری را در ایران و در کل جهان تامین کند.

۴- دولتهای غربی، بورژوازی جهانی و جنبشها و نیروهای راست در اپوزیسیون (نظیر جریانات ناسیونالیست سلطنت طلب-جمهوریخواه و نیروهای ملی-اسلامی در ایران)، همانطور که تجربه انقلاب ۸۸ در ایران و انقلابات جاری در منطقه نشان میدهد، تمام تلاش خود را بکار میبرند که با آلترناتیویتهای دیکتاتوربهای ساقط شده و یا در حال سقوط، انقلاب را از محتوی خالی کرده و در نیمه راه متوقف کنند و در نهایت به شکست بکشانند.

حزب بمنظور خنثی کردن هر گونه تلاش و سیاستی برای آلترناتیو سازی سیاسی از بالا و قیچی کردن انقلاب مردم، اعلام میدارد:

۱- دولت برآمده از انقلاب در صورتی نماینده واقعی انقلاب است که تحقق اهداف فوری انقلاب و دخیل کردن مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خویش را بلافاصله در دستور کار خود قرار بدهد.

الف- برآورده کردن اهد اف فوری انقلاب. دولت برآمده از انقلاب باید تعهد خود را به خواستها و اهداف فوری انقلابی مردم اعلام دارد و فوراً آنها را به اجرا درآورد. اهم این خواستها عبارتند از:

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی. ممنوعیت فوری بازداشت و زندانی کردن افراد باخاطر عقاید و یا مواضع و فعالیتهای سیاسی

قطعنامه در مورد

جنبش کارگری و جایگاه مجمع عمومی

گذارد.

با توجه به این روندها حزب کمونیست کارگری در راستای سیاست پایه ای خود یک بار دیگر بر ضرورت و فوریت تشکیل مجامع عمومی کارگری و گسترش جنبش مجمع عمومی تاکید میکند و توجه همه کارگران و فعالین کارگری را به این نکات جلب مینماید:

الف- تشکیل مجامع عمومی و دامن زدن به این جنبش در سطحی سراسری و گسترده، یک گام حیاتی در سازمانیابی توده ای کارگران و ایفای نقش مستقیم و قدرتمند آنان در اوضاع سیاسی متحول امروز است.

ب- مجمع عمومی پاسخی عملی به فضای سرکوب و بی حقوقی است که با به میدان کشیدن دامن توده های کارگران تداوم و گسترش مبارزات جاری کارگری را تضمین میکند.

ج- اتکا به مجمع عمومی در سطح کارخانجات و محیط های کار به معنای نفی عملی و مستقیم تشکلهای دست ساز دولتی مثل شوراهای اسلامی و خانه کارگر و نظایر آنهاست و به کارگران امکان میدهد که با اتکا به قدرت متشکل خود تمام نهادهای جاسوسی و سرکوب را از کارخانجات بیرون بیندازند.

د- تشکلهایی که به همت خود کارگران و تحت نامهای مختلف شکل گرفته اند ابزار مهمی برای تقویت و سراسری کردن جنبش مجمع عمومی هستند.

ه- جلو آمدن و پیشروی مجامع عمومی زمینه ساز و پیش درآمد تشکیل شوراهای کارگری در اولین توازن قوای مناسب است.

و- حزب همه فعالین و تشکلهای کارگری را به دفاع از مجامع عمومی و دامن زدن به این جنبش در سطحی سراسری و گسترده فرا میخواند. بر زمینه مناسب موجود بین المللی و در میان کارگران ایران، این امکان کاملاً وجود دارد که با یک تلاش جدی و پیگیر بتوان شاهد گسترش سریع جنبش مجمع عمومی بود.

۱- اوضاع سیاسی ایران در حالی بی ثبات و انفجاری قرار دارد. بحران سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی، فشارها و انزوای بین المللی، و کشاکشها و تشدید نزاعهای درونی بر متن انزجار و نفرت عمومی مردم از رژیم اسلامی، حکومت را در حالی بی افق و بی آینده قرار داده است. جمهوری اسلامی تنها با اتکا به سرکوب و اعدام و زندان به حیات خود ادامه میدهد. علییرغم سرکوب خیزش میلیونی سال ۸۸، چشم انداز و امید سرنوختی در جامعه قوی است و اکثریت مردم مترصدند تا برای به زیر کشیدن این حکومت بار دیگر پا به میدان بگذارند

۲- یک فاکتور مهم در حفظ اوضاع پرتحرک و متعرض سیاسی در جامعه، روند مبارزات و اعتراضات دائم کارگری در دوره پس از عقب راندن انقلاب ۸۸ بوده است. فضای فعال جنبش کارگری، طرح مطالبات رو به پیش از جانب کارگران، جریان یافتن اعتصابات و تظاهرات و طرح خواستهای تعرضی از جانب کارگران بخشهای کلیدی اقتصاد، بر کل اوضاع سیاسی جامعه و مبارزات بخشهای مختلف مردم تاثیرات غیرقابل انکاری داشته است.

۳- یکی از دلایل پیشروی و قدرتمندی جنبش کارگری اتکا، آن به اجتماعات کارگری و دخالت و تصمیم مستقیم توده های وسیع کارگران است. به این معنا مجمع عمومی یک رکن اصلی مبارزات کارگری است.

۴- در سطح جهانی مبارزات و اعتراضات موسوم به "جنبش اشغال وال استریت" و همچنین انقلابات مصر و تونس که با اتکا به مجامع عمومی و تصمیم گیریهای مستقیم جمع های بزرگ و وسیع معترضین پیش رفته و پیش میرود، بطور گسترده ای توجه عمومی را به جایگاه مجامع عمومی جلب کرد و اهمیت و کارایی مجمع عمومی بعنوان شکل عملی و موثر اعمال اراده مستقیم توده ای در جامعه و در اوضاع سیاسی را بیش از پیش اثبات نمود و جلوی چشم همگان

و برای مبارزه متشکل شده اند باید برای حضور مداوم در سیاست و اداره جامعه متشکل بمانند. توده مردم باید در یک سطح فراگیر در سراسر کشور بمنابا ارگانهای اعمال اراده مستقیم در تشکلهای نوع شورائی سازمان پیدا کنند.

۲- دولت برآمده از انقلاب در وهله اول و در کوتاه مدت مشروعیت و اتوریته خود را از انقلاب میگیرد. اتکای دولت بقدرت مردم انقلابی باید به شکل اتکا ب مردم سازمانیافته در شوراها (ارگانهای اعمال اراده مستقیم مردم) تداوم یابد. دولت جانشین جمهوری اسلامی در صورتی میتواند نماینده مردم و انقلاب باشد که مشروعیت و اعتبار خود را مستقیماً از مردم سازمانیافته در شوراها کسب کند و به شوراها پاسخگو باشد.

۳- مردم باید بتوانند از طریق شوراها مقامات مسئول را انتخاب و هر لحظه اراده میکنند عزل کنند و بر سیاستها و اقدامات دولت نظارت مستقیم داشته باشند. انقلاب مردم وقتی به پیروزی تثبیت شده و غیر قابل بازگشت دست می یابد که کل ماشین دولتی مافوق مردم و دستگاه اداری و بوروکراسی عریض و طویلش بزیر کشیده شده و با توده مردم سازمان یافته در شوراها که بعنوان ارگان مقننه و مجریه عمل میکنند جایگزین شود.

۴- احزاب و نیروها و فعالین سیاسی همان اندازه میتوانند در دولت سهیم و دخیل باشند که مورد تایید شوراها و منتخب آنها باشند.

تنها احزاب و نیروهایی میتوانند واقعا آزادیخواه و طرفدار مردم باشند که به مبانی فوق متعهد و پایبند باشند. حزب کمونیست کارگری با اعلام تعهد به مبانی فوق تنها راه رهائی واقعی مردم و تحقق خواستها و آرزوهای برحق و انسانی آنانرا برقراری سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی میداند. بحران عمیق سرمایه داری جهانی و تجربه انقلابات منطقه نه برای اقتصاد سرمایه داری و نه بوروکراسی و دموکراسی سرمایه داری جانی در دنیائی که بشریت امروز خواهان آنست باقی نگذاشته است.

قطعنامه در مورد نقد دولت مافوق مردم در انقلابات و جنبشهای اعتراضی در دوره حاضر

۱- بحران اقتصادی و به تبع آن درمماندگی و بی افقی سیاسی و ایدئولوژیک بورژوازی جهانی بن بست همه جانبه نظام سرمایه داری را بروشنی عیان ساخته است. مکاتب اقتصادی- سیاسی- فلسفی مسلط بورژوازی در چند دهه اخیر نظیر فریدمنیسم و نئوکسنرواتیسم و نئولیبرالیسم و پست مدرنیسم، حتی به اعتراف بسیاری از پیروان و طرفدارانشان، تماما ورشکسته شده اند، و مدل‌های دولتی سرمایه داری، دیکتاتوریه‌های عریان، دموکراسی پارلمانی، و مدل‌های قومی- مذهبی و "نظم نوینی"، کاملاً بی اعتبار شده و به بن بست رسیده اند. بورژوازی هر نوع افاق و چشم اندازی برای امروز و آینده جهان را از دست داده است و استراتژی سیاسی- اقتصادی مشخص و معتبر و مورد توافق حتی در میان صفوف طبقه خود، ندارد. از سوی دیگر نابرابری و تبعیض فاحش و تضاد منافع میان اقلیت ناچیز صاحب سرمایه و توده عظیم مردمی که با بیکاری و فقر و بی تأمینی اقتصادی دست بگریباندند

قطعنامه درباره بحران بورژوازی در ایران

۱- بحران و بی افقی اقتصادی- ایدئولوژیک- سیاسی سرمایه داری جهانی، و بر متن این بحران موج انقلابات در منطقه و شکل گرفتن جنبش ضد کاپیتالیستی در غرب، بحران و استیصال بورژوازی ایران - و بورژوازی جهانی در رابطه با ایران- را بر مراتب تشدید کرده و به آن ابعاد تازه ای بخشیده است. همان شرایطی که دولتهای غرب و استراتژیستهای بورژوازی را در سطح جهانی به سردرگمی و بی افقی دچار کرده است کل بورژوازی ایران- و دولتهای غربی حول مساله ایران- را نیز بی چشم انداز و سردرگم کرده است.

۲- امروز بورژوازی ایران نه تنها با يك بحران حکومتی - که از ابتدای بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی با آن مواجه بود- بلکه با يك معضل استراتژیک سیاسی - اقتصادی روبروست. مولفه های مشخص این وضعیت جدید چنین است:

الف - بحران سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی در دوره بعد از

این کشورها- و جنبش ضد سرمایه داری در غرب، که در اولین بروز گسترده اش شکل "جنبش اشغال" و یا "جنبش ۹۹ درصد" را بخود گرفت، با بچالش کشیدن سلطه "يك درصد"، بن بست و ورشکستگی مدل‌های دولتی سرمایه داری را اعلام میدارند. این تحولات نقطه آغاز دور تازه ای در حرکات اعتراضی و جنبشها و انقلابات جهانی است که خصلت و مضمون سیاسی آنرا بزیر کشیدن دیکتاتوریه‌های عریان سرمایه، بچالش کشیدن بوروکراسی و پارلمان و کل ساختار دولت مافوق مردم، و خواست دخالت مستقیم مردم در اداره امور جامعه تشکیل میدهد.

۳- این مضمون و جهت گیری جنبشها و انقلابات نوینی که در دنیا آغاز شده است تماماً با برنامه و هدف فوری کمونیسم کارگری مبنی بر امحای دولت مافوق مردم و جایگزین شدن آن با توده مردم سازمانیافته برای اداره امور جامعه (حکومت شورائی) و با هدف نهائی و آرمان کمونیستی امحای دولت و

کلا در برابر آلترناتیو انقلاب و بزیر کشیده شدن دیکتاتورها از طریق انقلاب رنگ باخته و به عقب رانده شده است.

در سطح استراتژیک و عمومی تر، از لحاظ سیاسی افق پارلمان و دموکراسی پارلمانی و ایده آل دموکراسی غربی هر روز در اذهان عمومی و بویژه در بخش فعال و پیشرو جنبشهای اعتراضی بی اعتبارتر میگردد، و از لحاظ اقتصادی برای بورژوازی ایران چشم انداز هر نوع گشایش اقتصادی حتی با پیوستن کامل به بازار سرمایه داری بحرانزده جهانی بیش از پیش تیره و تار میشود. دولتها و سیستمهای سیاسی- اقتصادی غربی که خود در معرض ورشکستگی هستند به سختی میتوانند منبع الهام و الگوی شرایط آتی ایران و موضوع توهم پراکنی بورژوازی در میان توده مردم باشند.

این شرایط در کل فضای سیاسی جامعه ایران، و مشخصاً در عرصه مبارزه برای سرنگونی رژیم و تقابل با آلترناتیوها و جنبشهای

طبقات منطبق است. دوره تازه ای از انقلابات و جنبشهای توده ای آغاز میشود که کمونیسم نه تنها به معنی نفی استثمار و تبعیض و منادی برابری اقتصادی و اجتماعی بلکه بویژه به عنوان نقد و نفی ریشه ای دولت بورژوائی و به معنای برقراری دولت و جامعه کمونی را بمیدان فرامیخواند. این شرایط در عین حال زمینه های سیاسی و اجتماعی شکلگیری و تقویت چنین نیروهای کمونیستی را فراهم می آورد.

با توجه به این نکات حزب نقد طبقاتی و سیاسی دولت را حلقه اصلی دخالتگری و ایفای نقش کمونیستها در دوره تازه تحولات انقلابی که در جهان آغاز شده است میداند و بر ارکان زیر بعنوان مهمترین پیش شرط های لازم برای ایفای نقش و دخالت گری فعال و موثر کمونیستی در این تحولات تاکید میکند:

۱- اشاعه و گسترش گفتمان و ایده و آرمان کمون و جامعه کمونی و نفی دولت بورژوائی و مافوق مردم در سطح وسیعی در جامعه بعنوان يك رکن اساسی رهائی جامعه از سلطه سرمایه و فقر و بیکاری و تبعیض و بیحقوقی و بی اختیاری. در افکار عمومی کمونیسم باید با این ایده ها

بورژوائی، عوامل و مولفه هایی را به نفع کمونیسم و سیاستها و آلترناتیوهای سوسیالیستی تغییر میدهد. مهمترین این عوامل عبارتند از:

۱- راه انقلاب و تغییر انقلابی اوضاع در مقابل سایر آلترناتیوها دست بالا پیدا کرده و شرایط مساعدتری برای پذیرش نقد ریشه ای وضع موجود در میان توده های مردم شکل گرفته است.

۲- تحت تاثیر جنبش ۹۹ درصد در غرب و انقلابات منطقه، توجه توده مردم به بحران جهانی سرمایه داری بیشتر شده و گوشها برای نقد سوسیالیستی سرمایه داری و راه حل های سوسیالیستی بیش از هر زمان باز شده است. شرایط برای تعمیق و برجسته تر کردن خصلت ضد سرمایه دارانه اعتراضات مردم در عرصه های مختلف مبارزه و جنبش سرنگونی طلبانه در ایران بیش از هر زمان دیگر مساعد و آماده است.

۳- ایده آلهای اعمال اراده مستقیم مردم در اداره امور خود، عدالت و

تداعی بشود.

۲- تبلیغ وسیع ضرورت خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی با اتکا به گرایش قوی ضد دولتی و ضد سرمایه داری جنبش های اعتراضی موجود.

۳- نقد عمیق دولت بورژوائی و بوروکراسی و دموکراسی مستلزم آن

۴- نشان دادن ضرورت و مطلوبیت بویژه امکانپذیری دخالت مستقیم مردم در اداره امور جامعه از طریق شوراها و یا تشکلهای نوع کمون

۵- تاکید بر ضرورت حزیت و تشکل حزبی بعنوان ارکان رهبری و به پیروزی رساندن مبارزات ضد سرمایه داری، بزیر کشیدن حکومت بورژوازی و تصرف قدرت سیاسی.

حزب کمونیست کارگری پیشروی و پیروزی نهائی تحولات جاری و دور تازه جنبشها و انقلاباتی که در جهان آغاز شده است را در گرو دخالتگری و ایفای نقش پیشرو و رهبری کننده کمونیستها حول محورهای فوق میداند و با تمام توان خود برای پیشبرد این وظایف و شکل گیری نیروها و احزابی با این جهت گیری تلاش میکند.

برابری اقتصادی و اجتماعی، آزادی به معنی صاحب اختیار شدن و رهائی انسان و کلا آرمان جامعه انسانی و حکومت انسانی در برابر ایده های بورژوائی نظیر حقوق بشر و پارلمان و بازار آزاد و غیره زمینه بیشتر یافته و مجمع عمومی و شورا نه تنها بعنوان ابزار مبارزه بلکه بمنزله ارگان اعمال اراده مردم و پایه های دولت برآمده از انقلاب و حکومت شورائی مقبولیت بیشتری پیدا کرده است.

۴- شرایط مساعدتری برای همبستگی مبارزاتی با اعتراضات و مطالبات کارگران در میان توده های وسیع مردم شکل گرفته است.

۵- شرایط برای دخالتگری فعالانه و پیگیری کمونیستها و فعالین جنبش کارگری در عرصه های مختلف اعتراضات و مبارزات کارگران و عموم مردم علیه فقر و بیکاری و بیحقوقیها و سرکوبیها و نقد زنده و ملموس نظام سرمایه داری در این مبارزات بیش از پیش آماده شده است.

قطعه نامه درباره شرایط اضطراری در ایران

اختناق و سرکوب در جامعه را شدت بخشد. مبارزه برای خنثی کردن ماشین آدم کشی جمهوری اسلامی، مقابله با دستگیریها و گسترش مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی.

۸- تبلیغ و سازماندهی مجمع عمومی در کارخانه ها و مراکز تولیدی، دانشگاهها و دیگر مراکز کار و تجمع مردم بعنوان مناسبترین شکل متشکل شدن و دخالت متحد مردم در اعتراض و مبارزه علیه وضعیت موجود. ایجاد کانونهای مبارزاتی متشکل از اهالی در محلات.

۹- بسیج نیروهای چپ و انقلابی و آزادیخواه در سطح جهانی حول شعار "نه جنگ، نه تحریم، نه بمب، نه جمهوری اسلامی".

۱۰- طرح خواست بایکوت سیاسی و منزوی کردن جمهوری اسلامی بعنوان آلترناتیو انسانی در برابر تحریکهای اقتصادی و سیاستهای جنگی. دولتها و نهادهای بین المللی نباید جمهوری اسلامی را بعنوان دولت ایران برسمیت بشناسند. فراخواندن نیروهای چپ و مترقی در سطح دنیا برای آنکه دولتها و سازمانها بین المللی را برای بستن سفارتخانه ها، اخراج مقامات جمهوری اسلامی و تحت پیگرد قرار دادن آنان بجرم بیش از سه دهه جنایت علیه مردم، تحت فشار قرار بدهند.

تحمیلی که در شرایط حاضر در جامعه برقرار شده است. سازماندهی و تقویت جنبش دفاع از زندگی و معیشت با خواستها و مطالبات روشنی نظیر افزایش دستمزدها، بیمه بیکاری مکفی، مسکن مناسب و بهداشت و درمان رایگان در سراسر کشور.

۳- قرار دادن افق انقلاب و تغییر انقلابی وضعیت حاضر بقدرت مردم در برابر جامعه و دامن زدن به جنبش توده ای برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی.

۴- نقد و افشای سیاستها و تبلیغاتی که به بهانه مقابله با تحریمها و جنگ و تهدیدات جنگی عملا از جمهوری اسلامی دفاع میکنند.

۵- نقد و افشای سیاستها و تبلیغاتی که سیاستهای دول غربی و امید بستن به این سیاستها را راه نجات جامعه از شر جمهوری اسلامی قلمداد میکنند.

۶- مقابله با روحیه انتظار و امید بستن مردم به کشمکش میان دولتهای غربی و جمهوری اسلامی و تاکید بر این واقعیت که تنها راه نجات مردم اتکا بقدرت خود و بمیدان آمدن برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی است.

۷- مقابله جدی با تلاشهای جمهوری اسلامی که با استفاده از فضای جنگی می کوشد شرایط

راست، نیروی اصلی و تعیین کننده برای تحقق آلترناتیو دوم است.

۳- احزاب و نیروهای بورژوازی در اپوزیسیون در کشمکش حادی که بین جمهوری اسلامی و دولتهای غربی در جریان است بطور مستقیم و یا غیر مستقیم به نفع يك قطب و در برابر قطب دیگر موضع میگیرند. حمایت رسمی و یا عملی از جمهوری اسلامی بعنوان "قربانی" تحریم اقتصادی و تهدیدات نظامی از یکسو، و دفاع از سیاستهای دولتهای غربی و تلاش برای ایفای نقش در سناریوهای مورد نظر غرب در قبال اوضاع ایران از سوی دیگر، اساس موضعگیریها و تبلیغات نیروهای مختلف جنبش راست پرو دول غربی و یا نیروهای ملی-اسلامی را تشکیل میدهد.

۴- در خارج از ایران نیروهای "چپ ضد آمریکائی" و پرو اسلام سیاسی به بهانه مخالفت با جنگ و صلح طلبی و "مقابله" با سیاستهای تجاوزکارانه امپریالیستی عملا در خدمت جمهوری اسلامی و دفاع از وضعیت موجود در ایران قرار میگیرند.

۵- در میان توده مردم از یکسو حالت انتظار و چشم دوختن به تحولاتی که از بالای سر آنان و در میان دولتها در جریان است زمینه پیدا میکند و از سوی دیگر فشار فقر و بیکاری و گرانی سرسام آور ناشی از این شرایط زمینه اعتراضات کارگری و توده ای را بیش از پیش

۱- آگاه ساختن و جلب توجه کمونیستها، فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی به خطیر و اضطراری بودن شرایط حاضر و کسب آمادگی و بسیج نیرو برای پیشبرد سیاستهای حزب در قبال این شرایط.

۲- فراخواندن و سازماندهی اعتراضات علیه وضعیت غیر قابل

کارگری ایران به همه کوشندگان جنبش رهایی زن در ایران و جهان درود میفرستد و دست آنها را به گرمی میفشرد. کنگره بار دیگر اعلام میکند که حزب ما حزب مبارزه تا به آخر برای پایان دادن به تبعیض نفرت انگیز علیه زنان است. سرنگونی جمهوری اسلامی و انهدام آپارتاید جنسی و امحاء قوانین و سنت ها و عادات ضد زن و اسلامی هدف فوری حزب است. کنگره همه زنان آزاده و فعالین جنبش رهایی زن در ایران را دعوت میکند تا به حزب خود بپیوندند.

قطعه نامه درباره بحران بورژوازی... از صفحه ۱۳

پیروزی کمونیسم در ایران فراهم شده است جلب میکند و آنانرا به این مبارزه فرامیخواند. حزب سوسیالیست ها و کمونیست ها و کل مردم آزادیخواه و رهبران جنبش کارگری و سایر جنبش های حق طلبانه را به پیوستن به صفوف خود به منظور ایفای يك نقش بزرگ و تاریخی در این شرایط فرامیخواند.

قطعه نامه درباره بحران بورژوازی... از صفحه ۱۶

کارگری ایران به همه کوشندگان جنبش رهایی زن در ایران و جهان درود میفرستد و دست آنها را به گرمی میفشرد. کنگره بار دیگر اعلام میکند که حزب ما حزب مبارزه تا به آخر برای پایان دادن به تبعیض نفرت انگیز علیه زنان است. سرنگونی جمهوری اسلامی و انهدام آپارتاید جنسی و امحاء قوانین و سنت ها و عادات ضد زن و اسلامی هدف فوری حزب است. کنگره همه زنان آزاده و فعالین جنبش رهایی زن در ایران را دعوت میکند تا به حزب خود بپیوندند.

پیام به زنان ایران!... از صفحه ۱۶

که زن ستیزی و آپارتاید جنسی و مردسالاری و سنت و مذهب و تحمیل بی حقوقی بر زنان منشاء ارتجاع، ابزار سرکوب و تکیه گاه سرمایه داری قرن بیست و یک برای بقاء خویش است. اکنون روشن است پایان دادن به موقعیت نابرابر زنان در اقتصاد و سیاست و اجتماع و بویژه پایان دادن به موقعیت برده وار نسیمی از بشریت در کشورهای اسلام زده يك امر عاجل و اساسی جنبش ها و انقلابات قرن بیست و یک است. بعبارت دیگر فقط انقلاب ۸۸ زنانه نبود، کل انقلابات و جنبش های حاضر برای رهایی بشر رنگی زنانه دارد.

پیام به زنان ایران!... از صفحه ۱۶

در مواجهه با مومیای از گور برآمده اسلامی، بواسطه نقش برجسته زنان در جریان انقلابات تونس و مصر و همینطور در جنبش ۹۹ درصدی ها بر علیه سرمایه داری در غرب، بمراتب تقویت شده و ابعادی جدید یافته است. اکنون همه دنیا می بینند آن عزم راسخ برای آزادی و برابری و به زیر سوال بردن کل اوضاع ظالمانه موجود در آخرین نگاه "ندا"، که قلب صدها میلیون نفر را در سراسر جهان تکان داد، يك واقعه ایرانی نبود. بلکه يك جنبش جهانی و قدرتمند است. تلاش و مبارزه زنان و دختران و جنبش رهایی زن در سراسر جهان اکنون تکیه گاه رادیکالیسم و تغییر انقلابی وضع موجود است. همچنان

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعا تکثیر و پخش کنید

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

۷ اسفند ۱۳۹۰، ۲۶ فوریه ۲۰۱۲

پیام به کارگران ایران

کارگران

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری همه شما را به پیوستن به صفوف حزب و برافراشتن پرچم انقلاب و کمونیسم فرا میخواند. امروز بیش از هر زمان روشن است که بشریت بدون خلاص کردن خود از شر یکه تازی طبقه سرمایه دار مفتخور و کل نظام ضد انسانیت نمیتواند به خوشبختی و منزلت و رفاه و امنیت دست پیدا کند. از گوشه و کنار جهان صدای اعتراض مردمی که از بی اختیاری و فقر و نا امنی به تنگ آمده اند به گوش میرسد. ما مردم، ما کارگران، ما همه انسانها سزاوار زندگی بهتری هستیم. این نظام و این مناسبات و قوانین و رسم و سنت حاکم که بر بهره کشی و مالکیت خصوصی و فقر و گرسنگی اکثریت و تلنبار شدن ثروت‌های کل جامعه در دست یک درصدی ها بنا شده و با دیکتاتوری و سرکوب حفاظت میشود باید برچیده شود. و این رسالت طبقه ماست که این مهم را رهبری کند و به انجام رساند. گذشت زمانی که میگفتند این مناسبات و مصائب طبیعی و ازلی و گریز ناپذیر است. امروز صدای اعتراض به یکه تازی سرمایه داران و حکومت‌هایشان از ایران تا مصر و تونس و یونان و اسرائیل و اسپانیا و تمام گوشه و کنار جهان دارد به گوش میرسد.

در ایران، اما به یمن وجود حزبی که با برنامه و سیاست‌های روشن و شفاف خواست و آرمان طبقه کارگر را در تمام عرصه ها نمایندگی

میکند، این صدا قوی تر و روشن تر از هر جای دیگر طنین افکن شده است. مبارزه طبقاتی و سیاسی در ایران بسیار عمیق و پرطپش و همه جانبه است. کل نظام و حکومت ارتجاعی سرمایه داران به بحران و بن بست کشیده شده است. تلاش و مبارزه مردم علیه بربریت اسلامی سرمایه داران حتی يك لحظه هم از حرکت باز نایستاده است. زنان و جوانان مشغول نبردی دائمی با تاجر و ارتجاع اسلامی حاکم هستند. کارگران دانشا در حال اعتراض هستند. علیرغم فقر و فلاکت بیسابقه، علیرغم توحش ضد کارگری حکومت اسلامی، طبقه ما توانسته است جلوه های شکوهمندی از اعتصاب و اعتراض و تشکل یابی به نمایش بگذارد. خیزش انقلابی ۸۸، برآمد شکوهمند این نبرد سه دهه ای علیه حکومت اسلامی بود. خیزشی که به مثابه پیش در آمد موج عظیم انقلابات منطقه، مهر آزادیخواهی و برابری طلبی را بر پیشانی قرن بیست و یک زد. خیزشی که خواست توده های میلیونی برای سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی را علنا اعلام کرد.

مردم و حکومت اسلامی درگیر مصافی تاریخساز هستند. اوضاع سرعت تغییر میکند و فرصت تاریخی کم نظیری در مقابل طبقه ما باز شده است. امروز طبقه ما و جنبش رادیکال و انسانی اش، جنبش کمونیسم کارگری، در موقعیتی به مراتب مساعدتر و قدرتمندتر از همیشه قرار دارد تا

سرنوشت این مصاف را تعیین کند و در عین حال راه پیشروی را به کارگران جهان نشان دهد.

رفقای کارگر!

جامعه ایران در نقطه عطف سرنوشت سازی قرار دارد. تنها با حضور طبقه کارگر در رهبری جنبش انقلابی و سرنگونی، با دخالت فعال طبقه کارگر در سیاست، با ظاهر شدن طبقه کارگر به عنوان رهبر و پیشرو مبارزات مردم، میتوان انقلاب اجتماعی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و برپایی جامعه ای سوسیالیستی را به پیش راند و بساط مفتخوران سرمایه و فقر و فلاکت و تبعیض و خرافه را برای همیشه برچید. پرچم رهایی کامل زنان از هرگونه تبعیض جنسیتی، پرچم آزادی بیقید و شرط سیاسی، پرچم جدایی کامل مذهب از دولت، آموزش و سیستم قضایی و بالاخره پرچم رهایی تک تک انسانهای این جامعه در دستان طبقه ای است که رهائی اش در گرو دست بردن به ریشه تمام این مصائب و تبعیضات یعنی نظام ناعادلانه سرمایه داری و استثمار است.

حضور سیاسی مستقل طبقه کارگر در تحولات سیاسی، حضور طبقه کارگر به عنوان رهبر مبارزه برای يك جامعه آزاد و برابر فقط با متحد شدن در صف حزب سیاسی رادیکال، آزادیخواه و برابری طلب امکانپذیر است.

کارگران!

وسیعاً به حزب کمونیست کارگری بپیوندید. با پیوستن به حزب خود، صف طبقاتی خود را متحدتر و

پیام به زندانیان سیاسی

هشتمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران به شما که در سیاهچالهای جمهوری اسلامی با استواری در مقابل انواع و اقسام شکنجه، تحقیر و اذیت و آزار جسمی و روحی ایستاده اید، صمیمانه درود می فرستد و بر مقاومت و پایداری شما ارج می نهد. شما رهبران کارگری، فعالین و رهبران جنبش دانشجویی، شما فعالین مدافع حقوق و حرمت انسانی زنان، شما دوستان و هم نسلان نداها و سهراب ها، و همه کسانی که بدلیل اعتراض و یا هر اختلافی با حکومت جنایتکار اسلامی، اسیر جلالان اسلامی شده اید، همه شما لایق بیشترین پشتیبانی و ابراز همبستگی هستید.

شما با مقاومت و پایداری خود نشان داده اید که این رژیم نمی تواند علیرغم تشدید سرکوب و بگیر و ببند و زندان و شکنجه و اعدام، اراده مردم پیاخاسته را درهم بشکند. استواری شما در مقابل شکنجه و تحقیر هر روزه در زندانها انعکاس عزم مردمی است که تسلیم نمی شوند و می خواهند حکومت اسلامی را تماماً درهم بشکنند و

ما اعتقاد راسخ داریم که با توان مبارزه و انقلاب مردم در آینده ای نه چندان دور، در زندانهای جمهوری اسلامی باز خواهد شد و مردم ایران همه عزیزان در بند خود را در آغوش خواهند گرفت.

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اسفند ۱۳۹۰، ۲۶ فوریه ۲۰۱۲

متشکل تر کنید تا بتوانیم با دخالت متشکل در تحولات و تلاطمات سیاسی جاری، با تامین رهبری طبقه کارگر در جدالهای تعیین کننده پیش رو، راه را بر حقه های سیاسی توسط نیروهای رنگارنگ طبقه سرمایه دار ببندیم؛ تا راه را برای استقرار جامعه ای تماماً آزاد و برابر و انسانی، برای استقرار جامعه سوسیالیستی باز کنیم.

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران
سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
۱۷ اسفند ۱۳۹۰، ۲۶ فوریه ۲۰۱۲

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

جنسی، حجاب و قوانین کشیف و نرینه سالار اسلامی، تمامی خیمه کذایی را به لرزه درآورده است. هم اکنون نیز که جمهوری اسلامی درگیر شدیدترین بن بست های اقتصادی و سیاسی است و در وحشت از برآمد انقلابی کارگران و مردم علیه کل وضع موجود بر خود میلرزد، اولین نگرانی "امنیتی" اش حجاب و مبارزه هر روزه و میلیونی زنان علیه حکومت زن ستیز اسلامی است.

اما تلاشهای شورانگیز و قهرمانانه جنبش رهایی زن در ایران

پیام به زنان ایران!

اتفاقی نبود که "ندا" به چهره جهانی مبارزات قهرمانانه مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی در سال ۸۸ تبدیل شد. بی اغراق، در هر اجتماع و تظاهرات و جنگ و گریز خیابانی آن سال زنان و دختران در صف مقدم قرار داشتند. انقلاب ۸۸ برآستی مصداقی از "انقلاب زنانه" بود. و این نیز ابتدا به ساکن نبود. جنبش رهایی زن اولین حرکت اجتماعی در ایران بود که از همان هفته های اول قدرت گیری جریان اسلامی - در جریان